

نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه موردی اقلیم کردستان - عراق)

jalaeipour@ut.ac.ir

د.حمید رضا جلائی پور

دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

kalantari1356@gmail.com

د.عبدالحسین کلانتری

دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

Barzan.hasan@soran.edu.iq

بارزان حسن

دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران

چکیده

مقاله حاضر با استعانت از رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای می‌کوشد مدل پارادایمی از مفهوم توسعه سیاسی بر اساس تفاسیر کنشگران به دست دهد. مصاحبه شوندگان مقاله 25 تن از فعالان و عضو دفتر سیاسی احزاب قدرتمند اقلیم کردستان تشکیل می‌دهند. نتایج تحقیق نشان داد، که احزاب سیاسی علاوه بر اینکه در طول 26 سال فضای مثبتی مثل: رشد آزادی‌های مدنی، گسترش رسانه‌های آزاد، حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی، توسعه سازمان‌های جامعه مدنی، تقویت هویت و ناسیونالیسم کردی، حقوق اقلیت‌های قومی، وجود امنیت پایدار، اما هنوز موانعی پیش روی توسعه سیاسی وجود دارند که عبارتند از: بحران هویتی، فقدان یک اپوزسیون کارآمد، ساختار عشیره‌ای درون حزبی، فساد سیاسی.

کلید واژگان: اقلیم کردستان عراق، احزاب سیاسی، توسعه سیاسی

نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه موردی اقلیم کردستان - عراق)

مقدمه

بحث احزاب و توسعه سیاسی از جمله مباحثی است که در چند دهه اخیر توجه عده زیادی از پژوهشگران را عمیقاً به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. مقاله حاضر، به بررسی نقش احزاب در توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق می‌پردازد از آن جایی بیش از پیش احساس می‌شود که اولاً: احزاب سیاسی یکی از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی و مهم‌ترین سازمان سیاسی در دموکراسی‌های معاصر به‌شمار می‌آیند. اغلب اندیشمندان علم سیاست وجود احزاب را مایه‌ی توسعه و ثبات سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی، عامل تحقق تحرک دموکراسی دانسته‌اند. در تمایز احزاب با سایر گروه‌های سیاسی می‌توان گفت احزاب سیاسی شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی هستند که خود به عنوان سازمان، تحت فشار گروه‌ها و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند. ثانیاً، در جامعه پرتنوع ما که در آن هویت‌های گوناگونی حضور و بروز دارد، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های همیشگی علاقمندان به حوزه احزاب سیاسی این بوده است که از طریق چه سازوکارهایی می‌توان فرایند توسعه سیاسی را تقویت کرد. در مقاله حاضر سؤال اصلی پژوهشگر عبارت است از اینکه؛ احزاب سیاسی چه نقشی در توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق داشته‌اند؟

طرح و بیان مسئله

با توجه به این که وجود احزاب سیاسی از جمله مسائل بسیار مهم و از ویژگی‌های یک جامعه توسعه یافته و دموکراتیک به‌شمار می‌رود، به گونه‌ای که همه نظام‌های سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به عملکردشان، خواهان تشکیل احزاب سیاسی هستند. بنابراین وجود احزاب سیاسی به بهترین وسیله و ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای قلمداد می‌شود. احزاب سیاسی خود به منزله یک جامعه کوچک سیاسی هستند که در عرصه حیات سیاسی انسان‌ها به ویژه طی قرن نوزدهم و بیستم به وجود آمدند. احزاب در واقع از ابداعات و ابتکارات نظام‌های سیاسی مدرن محسوب می‌گردند، ابدایی که بیش از هر پدیده دیگر، هم در خدمت نظام‌های سیاسی لیبرال و دموکراتیک قرار گرفته و موجب افزایش و کارایی و سودمندی آنها شده است، هم در خدمت انواع بیشماری از نظام‌های دیکتاتوری و غیر دموکراتیک. بدین ترتیب وجود احزاب برای جوامع مدرن ضروری به‌شمار می‌روند، زیرا عمده‌ترین نهاد برای برخورد با تضادهای موجود در این جوامع به حساب می‌آیند، در نتیجه احزاب سیاسی دارای دو جنبه هستند از یک سو به مشروعیت بخشیدن تضادها کمک کرده و جایگاه آنها را در مناقشه عمومی مشخص می‌سازند، و از سوی دیگر ابزاری هستند برای کاهش تضادها و در موارد حادث‌تر سرکوب و دفع آنها (نوذری، 1381: 56).

از سوی دیگر مسئله توسعه سیاسی و احزاب سیاسی مورد توجه اغلب نظریه پردازان سیاسی قرار گرفته است از قبیل (لویس پای، پاول، آلموند و هانتینگتون...). آنها احزاب سیاسی را شرط

ضروری توسعه سیاسی می‌دانند، زیرا توسعه سیاسی متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و بخصوص گسترش و افزایش مشارکت سیاسی، همچنین از نظر مکتب کارکردگرایی که به ضرورت انفکاک ساختارهای سیاسی به منظور بالا بردن کارایی آنها تأکید دارند احزاب سیاسی را نمونه بارز چنین انفکاک ساختاری تلقی می‌کنند، مانند آلموند، پاول، و ربا. از این رو احزاب سیاسی محصول توسعه سیاسی و پیچیده‌شدن ساختاری جامعه تلقی می‌شوند. در هر صورت از زاویه توسعه سیاسی، همان طور که (لاپالمبارا و واینر) تصریح می‌کنند، هم می‌توان احزاب سیاسی را نتیجه توسعه سیاسی تلقی کرد و هم آن را عامل دست یابی به توسعه سیاسی دانست (نقیب زاده، 1393: 26-27).

کشور عراق ما بین سال‌های 1921 تا 1991 یک سیستم تک ساخت و بسیط برای مدیریت سیاسی داخلی خود داشت که با واقعیت‌های جغرافیای عراق، یعنی تفاوت‌های ناحیه‌ای و انسانی آن هم خوانی نداشت. این کشور در طول تاریخ خود همواره با دو شکاف عمده قومی و مذهبی روبه‌رو بوده است. شکاف قومی، همان اختلافات ساختاری بین کردها و اعراب می‌باشد که از بدو ظهور این کشور مانع عمده‌ای بر سر راه ایجاد یک ملت واحد و یک دست تلقی شده است (حافظ نیا، 1389: 196).

تقسیم کردها بین دولت‌های منطقه در گذشته و تأثیرپذیری هر بخش از فضای سیاسی و الگوهای تعاملی این اقلیت با دولت مرکزی مربوطه و نیز گرایش نخبگان کورد، باعث پیدایش ناسیونالیسم کردی خاصی در هر کشور شده است، لکن چیزی که هویت مشترک و توسعه سیاسی کردها را در بین کشورهای

خاورمیانه شکل می‌دهد مفهوم "کردایتی" است که به گفته ناتالی نوعی از ملی‌گرایی قومی را پدید می‌آورد (Natali, 2005: 183).

درباره شکل‌گیری و آغاز جنبش سیاسی خودگردانی کردها (کریس کوچرا) جنبش ملی کردها را به سه مرحله تقسیم می‌کند 1- مرحله فتودالی و قبیله‌ای که از زمان عثمانی و صفوی‌ها و توسط امیر بدرخان در سال 1844 م آغاز شد که با شکست او به پایان رسید. 2- مرحله مذهبی که توسط شیخ عبید الله نه‌ری بود. 3- مرحله سیاسی که با تشکیل انجمن‌ها و سپس تشکیل احزاب سیاسی در اوایل قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد به ویژه حزب دموکرات کردستان 1945، به‌رهبری قاضی محمد، حزب دموکرات کردستان عراق در سال 1946، به‌رهبری مصطفی بارزانی (کوچرا، 1999: 120).

تحول دیگری که به تقویت احزاب سیاسی و جنبش کردها در کردستان عراق منجر شد، اشغال کویت در سال 1990 م توسط رژیم صدام حسین بود که به دنبال آن نیروهای ائتلاف بین‌المللی به‌رهبری آمریکا رژیم صدام را از کویت بیرون راند، که باعث شد کردها اقدام به بزرگترین خیزش کنند و در مارس سال 1991 توانستند بعضی از مناطق کردستان عراق را به کنترل خود در آورند. اما حمله دوباره دولت عراق به کردستان که منجر به فرار گسترده کردها به سمت مرزهای ایران و ترکیه شد که این اقدام با واکنش جامعه بین‌المللی روبرو گردید که باعث شد در 5 آوریل 1991، شورای امنیت ملل متحد قطعنامه 688 را تصویب کند. این قطعنامه سرکوب مردم غیر نظامی را در عراق از جمله مراکز جمعیتی کردستان را محکوم کرد و از حکومت عراق خواست، برای

کمک به رفع تهدید صلح و امنیت جهانی در منطقه، فوراً به این سرکوب پایان دهد و به سازمان‌های حقوق بشر جهانی امکان دستیابی به تمام کسانی را که در عراق نیاز به کمک دارند را بدهد (McDowall.2000:375). به دنبال این قطعنامه در اواسط آوریل 1991 نیروهای ائتلاف ایجاد منطقه امن را در درون عراق اعلام و هواپیماهای عراق را از پرواز بر شمال مدار 36 درجه منع کردند. در نتیجه استان‌های کردنشین (سلیمانیه، اربیل، دهوک) تحت کنترل احزاب سیاسی کردستان قرار گرفتند. احزاب سیاسی تصمیم به برگزاری انتخابات در سال 1992 کردند، و سپس برای اولین بار حکومت اقلیم کردستان و پارلمان کردستان تشکیل شد، که تا سال 2003 به صورت دفاکتو کردها توانستند اداره‌ای مستقلی داشته باشند.

اما جنگ دوم خلیج و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس 2003 که منجر به سقوط رژیم بعث شد، باعث تحول سیاسی جدیدی در عراق شد. موقعیت سیاسی کردها را نه تنها در کردستان بلکه در سطح بین المللی رونق داد، احزاب سیاسی کردستان به خصوص دو حزب قدرتمند کردستان (اتحادیه میهنی، حزب دموکرات کردستان) توانستند نقش مؤثری در تشکیل دولت عراق و نوشتن قانون اساسی عراق جدید داشته باشند و همچنین توانستند پست ریاست جمهوری عراق و وزارت خارجی را به دست بگیرند و بر فرآیندهای سیاسی و نظام سیاسی جدید عراق تاثیر بگذارند.

کردها در طول 26 سال حکمرانی اقلیم کردستان توانسته‌اند فراز و نشیب‌های فراوانی طی کنند و ارزش‌هایی چون دموکراسی،

حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی مطبوعات، تعامل با نهادهای بین المللی، جلب سرمایه گذاری خارجی، همزیستی با همسایگان، توسعه اقتصادی و سیاسی در کردستان عراق را تجربه نمایند.

حالا با توجه به موارد فوق در این تحقیق این مسئله مطرح است، که احزاب سیاسی چه تأثیراتی در فرآیند و رشد و میزان افزایش توسعه سیاسی در اقلیم کردستان عراق داشته‌اند؟

اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی مقاله حاضر «بررسی نقش احزاب در فرآیند توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق بعد سال 1991» است. همچنین توسعه نظریه‌ای در باب توسعه سیاسی بر پایه داده‌های کیفی مأخوذ از کنشگران اجتماعی، با استعانت از روش نظریه‌مبنایی استراوس و کریبن است. جهت حصول به هدف تحقیق، هدف‌های اخص و جزئی بر اساس سؤالات محوری سه گانه «چیست، چرا، چگونه» و با در نظر گرفتن الزامات مربوط به تنظیم مدل پارادایمی در باب پدیده مطالعه (توسعه سیاسی) مورد توجه قرار می‌گیرد:

- احزاب و توسعه سیاسی بر اساس تفاسیر و برداشت‌های ذهنی کنشگران اجتماعی «سوژه‌ها» از واقعیت نقش احزاب سیاسی در توسعه سیاسی چیست؟ (فهم توسعه سیاسی بر اساس تعاریف، تفاسیر و درون فهمی سوژه‌های تحت مطالعه از مفهوم توسعه سیاسی به شیوه استفهامی)

- فهم چرایی توسعه سیاسی از منظر کنشگران اجتماعی (شرایط علی توسعه سیاسی)

- فهم چگونگی حصول به توسعه سیاسی پایدار و عاملین استمرار و تداوم آن از منظر کنشگران اجتماعی
- فهم شرایط زمینه‌ای ایجاد توسعه سیاسی از منظر کنشگران
- فهم شرایط میانجی و مداخله‌گر مؤثر بر پدیده (توسعه سیاسی) و اتخاذ راهبردها «کنش و تعامل» از منظر کنشگران
- فهم پیامدهای حاصل از پدیده توسعه سیاسی از منظر کنشگران

اهمیت تحقیق حاضر از چند منظر قابل توضیح است: اول آنکه مطالعات اندکی در باب توسعه سیاسی و مبتنی بر پارادایم تفسیری و تفهیمی در حوزه‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی صورت گرفته است. از این درک مفهوم توسعه سیاسی از منظر کنشگران سیاسی ضرورت مطالعه آن را با رویکرد تفسیری و سازه‌انگارانه ایجاب می‌کند. دوم: مطالعه توسعه سیاسی با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در نوع خود کار جدیدی است. تحقیق حاضر می‌کوشد با استعانت از رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای، مدل پارادایمی از مفهوم توسعه سیاسی و بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران (سوژه‌های تحت مطالعه) از این مفهوم به دست دهد.

ادبیات تحقیق

1- مبانی نظری

مروری بر منابع و مآخذ موجود نشان می‌دهد، در منابع مربوط به توسعه سیاسی امروزه سه دیدگاه مسلط نظری موجود است که هر یک برداشت‌ها و تفاسیر مختلفی از این مفهوم به دست داده‌اند. اولین

دیدگاه؛ نظریه‌های کلاسیک و توسعه‌گرایی است. این نظریه در صدد تنظیم و صورت بندی نظریه‌های توضیحی عام و جهان شمول است، که از ایده‌ها و اندیشه‌های جامعه‌شناسی قرن نوزدهم الهام می‌گیرد. باید گفت رهنمون القایی علم اقتصاد در تکوین دیدگاه توسعه‌گرایی در علم سیاست، نقش قاطع داشت. از چهره‌های شاخص این جریان می‌توان (لیپست، دال، روکان، دویچ، لرنر، شیلز، آلموند، کلمن، پای، وربا و ارگانسکی را ذکر کرد) (کوزر، 1368، کدیور، 1386: 72-38، به نقل از فیروز راد، 1388: 32).

دومین جریان در مطالعات توسعه سیاسی در پی بازسازی جامعه‌شناسی از طریق وداع با نظریه‌های کلان و روی آوردن به نمونه‌های صوری است. به گونه‌ای انتزاعی فقط به دنبال یافتن و وجه مشترک تمامی روندهای نوسازی سیاسی است (بدیع، 1379: 23). از چهره‌های شاخص این جریان (هانتینگتون، اپتر، بندیکس، رکان و آیزنشتاد) قابل ذکرند.

دیدگاه سوم که به دیدگاه بر ساخت یا سازه‌انگاری¹ معروف است، اعتقاد دارد واقعیت‌های اجتماعی توسط کنشگران ساخته می‌شوند. بدین ترتیب ساختارهای اساسی سیاست ساخته و پرداخته ساختارهای ذهنی-اجتماعی هستند. یکی از مهمترین اصول بر ساخت‌گرایی ناظر بر معانی است که کنشگران و بازیگران اجتماعی به کنش‌های خود می‌دهند. همان طوری که آدلر اشاره می‌کند، مهمترین نکته هستی شناختی که در تحلیل سازه‌انگاری از امنیت مشهود است، تمرکز بر عوامل

فرامادی در تکوین امنیت ملی است. از این منظر اولاً شناخت آدمی واقعیت‌ها را شکل می‌دهد، ثانياً این شناخت در اجتماع شکل می‌گردد و ثالثاً: واقعیت‌های اجتماعی هرگز نمی‌توانند ایستا باقی بمانند و مکرراً باز تولید می‌شوند (Adler, 2002: 95-118، به نقل از: تبریزی، 1395: 264).

شاخص‌هایی چون جامعه مدنی، پلورالیزم، انتخابات، جامعه‌پذیری سیاسی، مشروعیت، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، ثبات سیاسی، کارآمدی نظام سیاسی، آزادی عقیده و بیان، کاهش اختلافات، نفی خشونت و تأکید بر گفتگو، مشارکت زنان... از مجموعه عواملی هستند که می‌توانند کشوری را در نیل به توسعه سیاسی یاری رسانند.

جوامع ناهمگون در مقایسه با سایر جوامع بیشتر در معرض خطر و عدم اجماع قرار دارند در اکثر کشورهای خاورمیانه، تکثر و چند قومی همواره محلی برای منازعه و درگیری میان احزاب و نزاع بر سر سهم خواهی احزاب بوده است. در اینجا است که هویت سازه‌انگارانه به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. کنشگران منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند. تکثر و چند پارگی در جوامع باعث می‌شود احزاب و نیروهای سیاسی، بخش وسیعی از توان و پتانسیل نیروهای موجود در آن صرف این تضادها و تنش‌ها کنند، مشکل هویت، به بیان (ونت) این است که هر چه قومیت‌ها احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابط شان مبتنی بر خود محوری بیشتری خواهد بود (خدایی، 1390: 41). همان طور که معلوم است دولت عراق کشوری متکثر و چند قومی است، از زمان شکل‌گیری این

دولت فرایند دولت-ملت به شکل صحیح شکل نگرفته است، به همین دلیل احزاب سیاسی بر اساس منافع هویتی و ناسیونالیستی شکل گرفته‌اند. بخصوص احزاب سیاسی که قدمت تاریخی در مبارزه مسلحانه دارند.

2- توسعه سیاسی و جایگاه احزاب در این فرآیند:

لوئیس پای افزایش ظرفیت نظام سیاسی در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌داند (قوام، 1382: 17). ساموئل هانتینگتون مؤلفه‌های اصلی توسعه سیاسی را عقلانی سازی، یکپارچگی ملی، دموکراتیزه سازی، انعطاف پذیری، و بسیج تحرک یا مشارکت بر می‌شمارد (Huntington, 1979: 47).

اما به باور بشیریه، توسعه سیاسی وقتی حاصل می‌شود که: 1- گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و گوناگون توسعه‌یافته بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان بدهند. 2- درون ساختار سیاسی نهادهای گوناگون توسعه یافته باشند و حکومت بر اساس پیچیدگی و گسترش نهادها، که سیاست اساساً غیر شخصی و باثبات می‌شود و امکان اعمال خشونت سیاسی در وجوه گوناگون آن کاهش می‌یابد. 3- درون نهادهای سیاسی، مشارکت و رقابت سیاسی مستمر وجود داشته باشد. 4- مجموعه ساختارها و فرایندهای بالا استمرار و مشروعیت گسترده‌ای داشته باشند و به صورت قانونی نهادهای شده باشند (بشیریه، 1383: 581-582).

به طور کلی، احزاب سیاسی را می‌توان شاخص نهادی مؤثری برای پی بردن به میزان توسعه‌یافتگی و توسعه نیافتگی سیاسی در نظر گرفت (Schattchneider, 1960: 21). در میان اندیشمندان مبحث توسعه سیاسی،

اجماع نظر تقریباً کاملی درباره احزاب سیاسی و ضرورت تحزب به منزله نماد توسعه سیاسی وجود و مؤلفه‌ای مهم در تحقیق مردم سالاری وجود دارد. بسیاری از نظریه پردازان از احزاب در نقش چرخنده ماشین دموکراسی، نماد سیاست مدرن، حلقه مفقوده و واسطه میان مردم و کارگزاران و تصمیم گیران یاد کرده‌اند و وجود و پویایی آن را مایه توسعه و ثبات سیاسی همچنین، دلیل افزایش مشارکت و رقابت سیاسی به‌شمار می‌آورند و تعادل، پایداری، و مشروعیت نظام سیاسی را در کارکرد مؤثر و پویایی این پدیده در نظر می‌گیرند (اخوان کاظمی، 1388: 15؛ هانتینگتون، 1370: 575-576؛ Apter, 1951: 181).

3- شاخص‌های توسعه سیاسی:

در حوزه نوسازی و توسعه سیاسی، برخی از نویسندگان نظیر لوئیس پای، بر یک معیار و متغیر خاص در مورد توسعه سیاسی تأکید نکرده و مفاهیم گوناگونی برای گذار موفقیت‌آمیز از بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع و یکپارچگی را مهم دانسته است؛ همچنین کسانی چون «الموند و سیدنی وربا» که توسعه نیافتگی سیاسی جهان سوم را به مسائل روانی، فرهنگی و تاریخی ارجاع می‌دهند، بر نقش و تأثیر فرهنگ سیاسی تأکید دارند و تغییر حالت و جابجایی فرهنگ از فرهنگ‌های سیاسی محدود و تبعی به فرهنگ سیاسی مشارکتی مهم می‌دانند (قوام، 1393: 19-17).

به طور کلی شاخص‌های توسعه سیاسی و یک نظام سیاسی توسعه‌یافته را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

یکپارچگی سرزمینی، تحول در ساختار اجتماعی و پیدایی گروه‌های جدید، مشارکت سیاسی و نقش مردم در روندهای

سیاسی، انتخابات آزاد و افزایش حق رأی، آزادی عقیده و بیان، فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و رشد و تنوع رسانه‌های جمعی، انعطاف نظام سیاسی در حل بحران‌های سیاسی-اجتماعی و اصلاح پذیری، خودگردانی واحدهای محلی یا حکومت محلی، گسترش امکانات آموزشی، نقش مؤثر هیئت‌های قانون گذاری و نمایندگی، استقلال ملی و مشروعیت بین المللی و احترام به اصول ارزش‌ها و هنجارها و قوانین پذیرفته‌شده جهانی (نظیر حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی، حقوق زنان).

شاخص‌های منفی توسعه سیاسی

عدم صحت برگزاری انتخابات، عدم رعایت اصول قانونی، تظاهرات اعتراض آمیز با استفاده از خشونت، فساد سیاسی و اولویت منافع شخصی، سرکوبی ناراضیان، تعظیم و تکریم ایدئولوژی رسمی و حاکم، سوء قصدهای سیاسی، سیاسی شدن نیروهای مسلح، فساد گسترده و سوء مدیریت، به رسمیت نشناختن حق و حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی در داخل کشور، انحصار قدرت سیاسی (T.J.C.Johari به نقل از شیرزادی، 1393: 37-40؛ عالم، 1394: 127-129؛ موثقی، 1391: 162).

4- روش شناسی:

با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق، بررسی نقش احزاب در فرایند توسعه سیاسی اقلیم کردستان بعد از سال 1991 است. همچنین توسعه نظریه‌ای در باب توسعه سیاسی بر پایه داده‌های کیفی مأخوذ از کنشگران سیاسی است، از روش نظریه زمینه‌ای «مبنایی»² برای تجزیه

و تحلیل داده‌ها و تکنیک مصاحبه به منظور جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. روش نظریه مبنایی آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است؛ که در جریان آن، پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده است. در این روش؛ گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند. مصاحبه شوندگان همان طور که ذکر کردیم در این تحقیق تعدادی از کارشناسان سیاسی و اعضاء دفتر سیاسی و شورای مرکزی احزاب با نفوذ اقلیم کردستان (سکولار و اسلام گرا) همچنین عضو پارلمان و روشنفکران جامعه کردستان در هر دو شهر اربیل و سلیمانیه انتخاب شده‌اند، برای اینکه پراکندگی و ویژگی‌های مختلف جامعه هدف اعم از گرایش‌های تخصصی متعدد را در برگیرد، در مجموع (25) نفر مورد مطالعه قرار گرفتند، که 3 زن و 22 مرد بودند.

در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد؛ پدیدار شود. نظریه‌ای که بدین طریق از داده‌ها استخراج شده باشد، بیشتر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه‌ای که با کنار هم نهادن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفاً حدس و گمان. نظریه زمینه‌ای به سبب آنکه از داده‌ها بیرون کشیده می‌شوند، بیشتر می‌تواند بصیرت افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل باشند (اشتراوس، کوربین، 1391: 34).

1-4- جامعه آماری:

جامعه آماری مورد نظر مطالعه احزاب سیاسی اقلیم کردستان عراق می‌باشند، که دارای قدرت و نفوذ سیاسی و کرسی پارلمانی هستند، در این تحقیق احزابی که مورد مطالعه قرار گرفتند عبارتند از «حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، جنبش تغییر، جامعه اسلامی، اتحادیه اسلامی، حزب کمونیست، احزاب ترکمن و مسیحی‌ها».

2-4- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:

حجم نمونه در روش نظریه زمینه‌ای بر اساس شیوه اشباع نظری³ تعیین خواهد شد. در این شیوه نمونه حجم نمونه را از ابتدا بر آورد نمی‌کنند. حجم مناسب نمونه بر اساس حساسیت و اهمیت موضوع در حین اجرا مشخص می‌شود. به بیان دیگر، داده‌ها از نمونه‌ها جمع آوری می‌گردد تا به اشباع نظری برسد. در روش نظریه زمینه‌ای محقق با دو نوع نمونه‌گیری به طور همزمان سرو کار دارد: الف) نمونه‌گیری از مشارکت کنندگان⁴ ب) نمونه‌گیری نظری⁵.

در روش نظریه زمینه‌ای برای انتخاب مشارکت کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند⁶ و معیار محور⁷ استفاده می‌شود و برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌ها و یافتن مسیرهای پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده خواهد شد (گلاسر و اشتراوس، 1393: 60).

واحد تحلیل⁸ در این تحقیق جملات و کلمات معنادار در مصاحبه‌ها هستند.

یکی از مباحث مهم در تحقیق کیفی، مدیریت کیفیت است. برخلاف روش کمی، در روش کیفی منازعات و جدال‌های گوناگون درباره معیار و نحوه ارزیابی کیفیت و مدیریت تحقیق در می‌گیرد؛ زیرا روش تحقیق کیفی از حیث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی با روش کمی کاملاً متفاوت است. روش کیفی از حیث هستی‌شناسی غالباً برساخت‌گراست. پذیرفته‌شدن انسان به منزله موجود مختار، معنا آفرین و خالق واقعیت‌های اجتماعی، ویژگی‌های اصلی پیش‌فرض انسان‌شناسی پارادایم تفسیری را تشکیل می‌دهند. معرفی توصیف ضخیم به منزله هدف نظریه، جهت‌گیری عملی نسبت به معرفت، پذیرش دانش عامه به منزله منبع معرفت، و پذیرش ارزش‌ها به مثابه بخش جدا ناشدنی تحقیق، ویژگی‌های اصلی معرفت‌شناسی پارادایم تفسیری را تشکیل می‌دهند. تفهم، درک و تشریح کنش اجتماعی معنادار در محیط، و جست‌وجوی شواهد و مدارک در بستر تعامل‌های اجتماعی سیال و به ظاهر عادی، مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌شناختی روش کیفی به‌شمار می‌آیند (میرزایی، 1393: 142). با توجه به تفاوت‌های بنیادی پارادایم اثباتی و تفسیری، نمی‌توان کیفیت پژوهش کیفی را براساس ملاک‌های روش کمی ارزیابی کرد.

1- 3- ابزار گردآوری داده‌ها:

عموماً در روش‌های کمی، گردآوری اطلاعات از طریق پیمایش و پرسش‌نامه انجام می‌گیرد، در حالی که در روش‌های کیفی، مصاحبه، مشاهده و مشاهده مشارکتی از راه‌های اساسی گردآوری اطلاعات محسوب می‌شوند (آریان، 1389: 88). مرحله گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد. در تحقیق حاضر محقق برای اجرای پژوهش و برای گردآوری داده‌ها ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته و مشاهده میدانی در نظر گرفته است.

در این نوع مصاحبه، پرسش‌های اصلی از قبل تعیین شده و با طرح آنها مصاحبه‌گر این فرصت را پیدا می‌کند تا وارد مسأله‌های جزئی‌تر شده و به اطلاعات دقیق دست یابد. مصاحبه‌گر بر اساس مسیر یا پرسش‌های اصلی از قبل تعیین شده به مسیر خود ادامه می‌دهد، اما تا حدودی نیز به مصاحبه شونده اجازه‌ی شرح و تفصیل می‌دهد. بنابراین، مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته شامل پرسش‌های روشن و خاصی است که از قبل تعیین شده و مصاحبه را هدایت می‌کند، اما مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده تا حدودی اجازه دارند به شرح و تفصیل پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح شده بپردازند (میرزایی، 1393: 143).

4-4- زمان و تاریخ مصاحبه‌ها:

زمان و تاریخ کل مصاحبه‌ها از تاریخ 25-7-2017 تا 20-9-2017 در اقلیم کردستان عراق در هر دو شهر اربیل و سلیمانیه، با تعیین وقت قبلی از هر مصاحبه‌شونده‌ی صورت گرفت، که نزدیک به دو ماه طول کشید.

5- تحلیل یافته‌ها و نتایج تحقیق:

در این مرحله به باز شماری مفاهیم و مقولاتی خواهیم پرداخت که بر اساس مصاحبه‌ها صورت گرفته است، که بر روی ایجاد نقش احزاب در توسعه سیاسی اقلیم کردستان اثر گذاشته‌اند. پژوهشگر عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی را در قالب 21 مقوله بررسی و طبقه‌بندی بر اساس شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها تقسیم بندی کرده است. پس از بررسی و تشریح این مقوله‌ها و نحوه‌ی اثرگذاری آنها بر پدیده مورد مطالعه، در پایان به ارائه الگوی پارادایم علی پدیده "توسعه سیاسی در

کشاکش هژمون حزبی و شکاف هویتی" که به وجود آمده است، خواهیم پرداخت.

1-5- یافته‌های تحلیلی:

تجزیه و تحلیل داده‌ها با سه رویه کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. بر اساس اولین مرحله تحلیل یافته‌ها که «کدگذاری باز» است، طی آن مقولات و مشخصات توسعه سیاسی کشف شده است. پس از آنکه مصاحبه‌ها به صورت نوشتاری درآمد، محقق خط به خط آن را برای یافتن کدها بررسی کرد. این فرایند کمک کرد تا با تمرکز بر داده‌ها: ایده‌ها و مفاهیم به نحو استقرایی آشکار شوند. علاوه بر این، به محقق کمک کرد بر دنیای پاسخگویان تمرکز کند و ایده‌های خود را تا حد امکان تحمیل کند.

در کدگذاری محوری، داده‌هایی که در کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند به یکدیگر پیوستند تا ارتباط یک مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی‌اش نمایان شود. در این مرحله، عمل، تعامل و پیامدها شناسایی شدند و مقوله‌ها به هم مرتبط شدند.

در مرحله بعدی و در کدگذاری انتخابی، فرایند روایت داستان، کشف مقوله‌ی مرکزی تحقیق و مرتبط ساختن آن با سایر مقولات در قالب مدل پارادایمی انجام شد. در داستان درباره‌ی فرایند موجود در داده‌ها، ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر، نحوه‌ی پدیدار شدن مقوله مرکزی و مرتبط شدن مقوله‌ها با آنها صحبت شده است. در واقع در خط داستان، گزارشی از همه‌ی آنچه تاکنون بر پایه‌ی تحقیق یافته‌شده است، ارائه داده‌شده است.

1-1-5- کدگذاری باز:

اولین مرحله در تحلیل داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای کدگذاری باز است. در این مرحله از دل داده‌های کیفی مفاهیم و مقولات استخراج

می‌شوند. نتیجه اولیه کدگذاری باز استخراج 109 مفهوم و 21 مقوله بود. مطابق فرایند روش شناختی نظریه‌مبنایی، طی مرحله اول (کدگذاری باز)، از دل داده‌های اولیه، کدها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس طی جریان نمونه‌گیری نظری و در مصاحبه‌های بعدی مفاهیم جدید اضافه و حذف گردیده و بر غنا و کیفیت و کمیت مفاهیم قبلی افزوده شد تا در نهایت 97 مفهوم به دست آمد. در مرحله دوم بعد مفاهیم بر حسب انتساب و تعلق منطقی هر یک به مقولات مشخص گردیده و نهایتاً 21 مقوله را پدید آوردند.

جدول شماره (1): مفاهیم انتزاع شده از متون مصاحبه:

مقولات	مفاهیم
تنوع ادیان و تنوع قومی	اجتناب از درگیری قومی - پرهیز از اختلاف دینی- وجود پیروان مذاهب و ادیان مختلف در کردستان- وجود قانون مستقل برای آزادی دینی
آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی	آزادی احزاب، قانونی بودن فعالیت‌های سیاسی، عدم سانسور مطبوعات، تغییر نرم و مسالمت‌آمیز، رقابت مسالمت‌آمیز
نفی خشونت و تأکید بر گفتگو	گفتگو بودن مذاکرات، پرهیز از خشونت، عبور از ناآرامی‌ها و جنگ‌های داخلی، کاهش اختلافات
گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی	صدور قطعنامه 688 توسط شورای امنیت سازمان ملل، مشروعیت قانونی، نابودی رژیم بعث و تلاش برای احیاء دوباره زندگی، تأمین نیازهای معیشتی مردم، برقراری اشته میهنی، بنیان نهادن حکومت اقلیم کردستان در سال 1992، ظهور احزاب سیاسی جدید
زیربنای اقتصادی و سرزمینی	ویران شدن زیربنای اقلیم کردستان توسط رژیم بعث، افزایش بیکاری، حاشیه نشینی، نداشتن سر زمین مستقل، رشد

سرمایه‌گذاری بعد از 2003	
آموزش سیاسی، حفظ روابط قدرت، بسیج توده‌ها، تربیت و پرورش کادر حزبی، اطلاع رسانی، تأثیر در جذب افکار عمومی، رقابت و فعالیت درون حزبی	جامعه‌پذیری سیاسی و بالابردن سطح آگاهی
شخصیت کاریزماتیک رهبران حزبی، نقش رهبری بارزانی و طالبانی، قدرتمندی رهبران در مقابل تهدیدات اقلیم کردستان، توانایی در حفظ انسجام داخلی حزب	رهبری کاریزماتیک
آزادی بیش از حد مطبوعات، اشفتگی رسانه‌ها، آزادی مخرب گونه‌رسانه‌ها، پل ارتباطی بین مردم و حکومت، تقویت فرهنگ و زبان کردی	رسانه‌ها و مطبوعات
عدم تنش با کشورهای همسایه، تبادل اقتصادی و تجاری، مشترکات فرهنگی و نژادی و زبانی به خصوص با دولت ایران	همزیستی مسالمت‌آمیز
ایجاد اپوزسیون، نظارت بر حکومت و افشای فساد، نوسازی در سطح داخلی حزب، پتانسیل جامعه کردستان در پذیرش ایده‌های نوسازی، قابلیت پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت قانون، کاهش فساد	حکمرانی خوب
حضور دفاتر و کنسولگری‌های جهان در کردستان، کمک دولت‌های بزرگ جهانی، ارسال کمک سربازی، بالا رفتن سطح دیپلماتیک اقلیم کردستان، وجود دفاتر و نمایندگی حکومت در 14 کشور، بستن قرارداد تجاری و نفتی به صورت مستقیم با حکومت اقلیم کردستان	شروعیت بین المللی اقلیم کردستان
نهادینه کردن مشارکت سیاسی در قالب احزاب، حضور و مشارکت اقلیت‌ها در چارچوب احزاب، نبود هیچ موانعی برای حضور در پارلمان، تغییر در ایجاد ترکیب قدرت سیاسی	پلورالیزم حزبی
رهایی بخش بودن ماهیت احزاب در مبارزات مسلحانه، تلاش برای حق تعیین سرنوشت، تأکید بر هویت و ملی‌گرایی کورد، برگزاری همه پرسی در 2017،	تقویت هویت ناسیونالیسم کردی

ناسیونالیسم کردی ابزاری در برابر ناسیونالیسم عربی، حس کردایتی، اعتماد به نفس کردها	
تقسیم بندی کردستان میان دو قطب بارزانی و طالبانی، دو قطبی شدن انتخابات، فراهم نبودن فرصت برای همه احزاب، ضعیف بودن احزاب اپوزسیون، کنترل منابع اقتصادی	قدرتمندی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی
حزب سالاری در داخل حکومت، اقدام نکردن بعضی احزاب در راستای اهداف ملی، آنارشیزم بودن بعضی از احزاب، حل اختلافات و مشکلات قانونی از طریق صلح عشایری، وجود فرهنگ عشیره ای در احزاب، بافت عشیره ای و قبیله ای جامعه کوردی	ساختار عشیره ای و فساد درون حزبی
حضور زنان در کار حزبی، تعیین 30 درصد کرسی پارلمانی برای زنان، اصلاح قانون مدنی در منفعیت زنان، مواجهه با خشونت زنان	حضور و فعالیت زنان در فعالیت سیاسی
نوپایی سازمان های جامعه مدنی، حمایت از پناهندگان، افزایش سطح آگاهی شهروندان	توسعه سازمان های جامعه مدنی
بحران های منطقه ای، وجود منابع غنی از نفت و گاز، وجود امنیت قوی در حفظ شهروندان، جنگ در منطقه	موقعیت ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان در منطقه ای پر آشوب و تنش
عدم شکل گیری صحیح فرایند دولت-ملت سازی در عراق، عدم پیوستگی فرهنگی و چالش های قومیتی، ناهمگونی قومی و مذهبی، تشکیل هویت سیاسی مستقل کردی.	شکاف هویت قومی

در جدول فوق به تفکیک و جداسازی مفاهیم و مقولات تحقیق پرداخته ایم. در این بخش بعد از استخراج مفاهیم اولیه، با استفاده از رویه ها و تکنیک های مختلف مقایسه سازی در روش گراند تئوری

مفاهیم مرتبط و همخوان را در کنار همدیگر قرار دادیم و زیر مقولات یکسان آنها را دسته بندی کردیم. در مرحله بعد، به تفکیک مقولات بر اساس ماهیت آنها، می‌پردازیم و در ذیل سه عنوان شرایطی، تعاملات و پیامدی آنها را دسته بندی می‌کنیم.

2-1-5- کد گذاری محوری:

پس از مرحله کد گذاری باز و تعیین مفاهیم و مقولات، مقولات به دست آمده را در نظمی منطقی برای تولید و ساخت نظریه مبنایی در قالب یک مدل پارادایمی در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهیم. در این مرحله از یک مدل پارادایمی برای پیوند مقولات و مفاهیم استفاده می‌شود که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست. کد گذاری محوری شامل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیر مقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنهاست، که در جدول زیر فرایند کدگذاری محوری نمایش داده شده است.

جدول شماره(2): مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم «فرایند کد

گذاری محوری»

ردیف	مقوله	نوع مقوله
1	حکمرانی خوب از طریق احزاب	شرایط علی
2	نفی خشونت و تأکید بر گفتگو	شرایط علی
3	موقعیت ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان	شرایط علی
4	رهبری کاریزماتیک	شرایط علی
5	همزیستی مسالمت‌آمیز	شرایط زمینه‌ای
6	گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی	شرایط زمینه‌ای

7	زیر بنای اقتصادی و سرزمینی	شرایط زمینه‌ای
8	مشروعیت بین المللی اقلیم کوردستان	شرایط زمینه‌ای
9	رسانه‌ها و مطبوعات	شرایط میانجی - مداخله‌گر
10	تنوع ادیان و تنوع قومی	شرایط میانجی - مداخله‌گر
11	ساختار عشیره‌ای و فساد درون احزاب	شرایط میانجی - مداخله‌گر
12	قدرتمندی شاخه نظامی	شرایط میانجی - مداخله‌گر
13	تقویت هویت ناسیونالیسم کوردی	کنش و تعامل (راهبردها)
14	قدرتمندی (حزب دموکرات و اتحادیه میهنی)	کنش و تعامل (راهبردها)
15	پلورالیسم حزبی	کنش و تعامل (راهبردها)
16	جامعه‌پذیری سیاسی و بالابردن سطح آگاهی	کنش و تعامل (راهبردها)
17	سازش ناپذیری در باب آرمان استقلال	کنش و تعامل (راهبردها)
18	توسعه و تقویت سازمان‌های جامعه‌مدنی	پیامدی

پیامدی	افزایش آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی	19
پیامدی	حضور و فعالیت زنان در احزاب	20
پیامدی	شکاف هویت قومی	21

در جدول فوق بعد از استخراج مقولات از مفاهیم، به مشخص کردن نوع مقولات و دسته بندی آنها می‌پردازیم. در مرحله بعد به توضیح هر کدام از مقولات مشخص شده خواهیم پرداخت و بعد از ارائه خط داستان مرتبط با آنها، به استخراج مقوله هسته و ارائه مدل مفهومی مرتبط با مقولات خواهیم پرداخت.

2-5- شرایط علی⁹

شرایط علی در نظریه زمینه‌ای به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص اشاره دارد (محسنی تبریزی، 1395: 290). در مقاله حاضر شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجاد پدیده توسعه سیاسی ضرورت برقراری آن در اقلیم کردستان از منظر مصاحبه شوندگان اشاره دارد. از جمله این عوامل که سبب می‌شوند ضرورت و اهمیت ایجاد و برقراری توسعه سیاسی در جامعه حس شود عبارتند از: حکمرانی خوب، نفی خشونت و تأکید بر گفتگو، موقعیت ژئوپلیتیک کردستان، رهبری کارزماتیک.

1-2-5- حکمرانی خوب:

(أریان فرج): در مورد حکمرانی اقلیم کردستان ما بین سال‌های 1991-2017 می‌گوید: "در طول این 26 سال حکومت اقلیم کردستان دستاوردهایی بسیاری را در زمینه حکمرانی و روند

توسعه سیاسی رقم زده است که عبارتند از: پاسداری و حفاظت از تجربه‌ی حکمرانی اقلیم کردستان فارغ از آن تهدیدهایی که علیه‌اش در جریان بود، توانست به عنوان دولتی دفاکتو به حیات خود ادامه دهد، تصویب سیستم فدرالی در سال 1993، تصمیم‌گیری برای برگزاری همه‌پرسی و دولت مستقل کردی به عنوان یکی از اصول مهم فرآیند توسعه‌ی سیاسی و حکمرانی شایسته، توسعه و گسترش فضای آزاد رسانه‌ای و مطبوعاتی، سیستم چند حزبی و ظهور احزاب جدید، شکل‌گیری اپوزسیون سیاسی قدرتمند در کردستان به ویژه در سال 2009 که توانستند تغییرات سیاسی در سیستم حکمرانی اقلیم کردستان ایجاد کنند، رشد توسعه‌ی اقتصادی، تجارت و جذب سرمایه‌گذاری و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی با هدف به‌گردش درآوردن سرمایه‌های خارجی در کردستان، تأمین امنیت و آرامش، هم‌صدایی و اتحاد همه‌ی احزاب سیاسی و رهبران سیاسی کورد پس از سال 2003 در راستای دستیابی به حقوق ملت کورد و تصویب آن در قانون اساسی عراق، فراهم نمودن بستری مناسب برای گسترش و توسعه‌ی سیاسی، رشد دموکراسی و آزادی فعالیت سیاسی، مشارکت سیاسی احزاب در حکومت بر طبق نتایج انتخابات، ظهور سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و فعالیت سازمانی، برگزاری انتخابات پارلمان و مجلس شورای شهرها، تلاش در راستای حل مسائل و معضلات و کشمکش‌های سیاسی از طریق گفتگو و با شیوه‌ی مسالمت‌آمیز.

همچنین خانم (چنار سعد عبدالله) می‌گوید: "حکمرانی خوب نیز از شروط علی است که ضرورت توسعه سیاسی پایدار را ایجاد می‌کند. حکمرانی خوب با شاخص‌هایی نظیر مشروعیت، پاسخگویی،

مدیریت کارآمد جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مشارکت آزاد و برابر همه احزاب، کاهش فساد و نابرابری‌ها، می‌تواند یکی از ابعاد توسعه سیاسی کارآمد باشد، و برای اینکه به یک حکمرانی خوب برسیم لازم است اقداماتی در این جهت صورت گیرد.

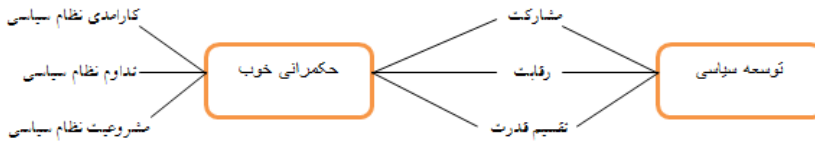
اما از جانب دیگر اکثر مصاحبه شوندگان به موانع پیش روی حکمرانی خوب در اقلیم کردستان اشاره کرده‌اند که عبارتند از: عدم وجود دولت - ملتی که دارای ساختار و موجودیتی مستقل باشد، تأثیر ظلم و ستم حکومت‌های یکی پس از دیگری عراق در قبال ملت کورد باعث شده است فضای سیاسی و دموکراتیک در کردستان تا دهه 90 شکل نگیرد، که این امر در فعالیت تجربه حکمرانی و فعالیت احزاب تأثیر گذاشته است، ظهور پدیده فساد و عدم شفافیت در بودجه، استخدام و تعیین میزان زیادی کارمند دولتی بدون هیچ برنامه‌ای از طریق احزاب قدرتمند، فقدان ساختار قضایی قدرتمند و دادگستری‌ها، فقدان قانون اساسی، سیستم اقتصادی وابسته به نفت، وجود تنش‌های سیاسی و اقتصادی میان اربیل و بغداد، فقدان یک اپوزسیون قدرتمند و پاسخگو از جمله عواملی هستند که مانعی بر سر راه توسعه سیاسی اقلیم کردستان شده است.

خلاصه در این مورد می‌توان گفت که: حکومت و احزاب سیاسی در فراهم نمودن اکثر خدمات عمومی برای شهروندان، مدیریتی سالم در امور حکومت مانند شفافیت، کم کردن فساد، فراهم نمودن فرصت کار یکسان برای شهروندان، و همچنین آب و برق و راه و جاده و امور حمل و نقل، نقص و کمبودهای زیادی دارند.

اما همان طور که (آزاد توفیق) اظهار دارد می‌گوید: "که حکومت اقلیم کردستان هیچ زمانی در مسئله‌ی اصول آزادی بیان، دموکراسی و اقدام در راستای بنیان نهادن جامعه‌ای مدنی و تشکیل احزاب سیاسی، اپوزسیون سیاسی، آزادی فعالیت رسانه‌ای و مطبوعاتی، حفظ حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی، دفاع از خاک کردستان از طریق نیروهای پیشمرگه، تأمین امنیت، حقوق بشر برای مردم کردستان، سهل انگاری نکرده است. احزاب حاکم (حزب دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی) هم اکنون زمینه را برای استقلال کردستان که یکی از اصول و پایه‌های حکمرانی خوب و توسعه‌ی سیاسی تلقی می‌شود، فراهم کرده‌اند، زیرا هنگامی که کردستان دارای چارچوب و ساختار مستقلی باشد خیلی بهتر و مناسبتر می‌تواند به شهروندان خدمت کند، چون تاریخ عراق جدید بعد از سال 2003 ثابت کرد، که این کشور نمی‌تواند قدمی به سوی دموکراسی بردارد. نتوانست به کشوری تبدیل شود که هم وطنانش به عراقی بودن ملزم و متعهد باشند، عراق هیچ وقت به کشوری آرام و باثبات و سرزمینی برای همزیستی تبدیل نمی‌شود، چون عراق، عراق شیعه، سنی و کورد است. که هیچ چیز مشترکی آنان را به همدیگر گره نمی‌زند، سه کشور است، سه ساختار و سه تاریخ است."

براساس متن این مصاحبه‌ها می‌توان گفت که: فضای سیاسی کردستان فضائی است که زمینه و بستر مشارکت سیاسی را برای همه‌ی نیروهای سیاسی مهیا کرده است، بنابراین اگر فضای دموکراتیک در کردستان حاکم نبود، کردستان از وجود و حاکمیت دو حزب اصلی (حزب دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی) عبور نمی‌کرد و هم اکنون دارای 9 حزب سیاسی و سهیم در تصمیمات مهم سیاسی نبود، اکنون هیچ

حزب سیاسی دارای اکثریت کرسی‌های پارلمانی نیست و این معادله‌ی توازن قدرت و قوا است که به نفع رشد دموکراسی است.



رابطه بین توسعه سیاسی و حکمرانی خوب

2-2-5- رهبری کاریزماتیک:

کردستان در طول تاریخ خود دارای رهبران کاریزماتیک بزرگی بوده است. از جمله (شیخ سعید پیران، شیخ عبدالسلام بارزانی، شیخ محمود حفید، قاضی محمد، مصطفی بارزانی، عبدالرحمن قاسملو، مسعود بارزانی، جلال طالبانی، عبدالله اوجلان) که همگی برای آزادی کردستان مستقل مبارزه کرده‌اند، به همین دلیل نمی‌توان نقش کاریزما و رهبران حزبی را در تأریخ ملت کورد نادیده گرفت. کردستان در طول تاریخ علیه متجاوزان و اشغالگران و رژیم‌های دیکتاتوری در حال مبارزه‌ی مسلحانه بوده و هیچ وقت دارای ثبات سیاسی لازم نبوده و ساختاری مستقل با قانون اساسی خود پیدا نکرده، چهره‌ها و شخصیت‌های کاریزماتیک نقشی قاطع و محوری را در سرنوشت این ملت ایفا کرده‌اند.

از طرفی دیگر جامعه‌ی کوردی تاکنون دارای ساختار فرهنگ عشیره‌ای، شیخ، خان و فئودال است. به همین دلیل کسانی که رهبری جنبش و خیزش را به عهده گرفته‌اند دارای پیشینه و عقبه‌ای عشایری بوده‌اند یا حامل لقب شیخ و طریقت و خان بوده‌اند. احزاب

سیاسی کردستان بازتاب و باز نمود این واقعیت فرهنگی و تاریخی هستند و کمتر احزابی وجود دارد که بیرون از این تعریف و چارچوب وجود داشته باشند، همچنین شهروند و فرد جامعه‌ی کوردی آنقدر که تحت تأثیر شخصیت کاریزماتیک و هژمونی رهبران حزب است، آنقدر تابع برنامه و اصول حزبی نیست که به عضویتش درآمده است.

در این مورد (کاوه رسول) می‌گوید: "در جوامعی که بصورت پیوسته در حال مبارزه و جنگ نظامی بوده‌اند، رهبران سیاسی نقش و تأثیر مداوم خود را داشته‌اند، در جامعه‌ی کوردی هم به دلیل اینکه بصورت مستمر و تاکنون هم در مرحله‌ی گذار سیاسی به سر می‌برد، چنین ایجاب نموده که مداوماً کاریزما در جهت رهبری و هدایت نقش و تأثیر داشته باشد، همچنین در جامعه کوردی برای حفظ اقتدار حزب و تثبیت جایگاه خود در کشمکش‌های سیاسی بصورت مستمر نیاز به رهبر مقتدر سیاسی دارد، در چنین جوامعی مردم و شهروندان به افراد مقتدر نگاه می‌کنند و همچنین در دوران انتخابات شخص اول حزب نقش بزرگی در سطح و میزان آرای حزب دارد".

همچنین (هیمن هورامی) می‌گوید: "بارزانی از آن رهبرانی است که تحت عنوان "رویدادآفرین" شناخته می‌شود، و در شرایط و زمانه‌ی فعلی کردستان که در خلأ چهره‌ای کاریزماتیک به سر می‌برد، تنها بارزانی در حیات و فضای سیاسی کردستان این جایگاه را داراست. در این مرحله‌ی تاریخی کردستان، یکی از فرصت‌ها برای آزادی ملت کردستان جهت رسیدن به آرمان بزرگ دیرین کوردها وجود شخصیتی کاریزماتیک مانند جناب بارزانی است. این نقش و جایگاه کاریزماتیک جناب آقای (مسعود بارزانی)

است، که توانسته در برابر همه‌ی تهدیدات علیه کردستان بایستد و توازن قوا را در قطب بندی شیعه و سنی در منطقه حفظ کند و تصمیم به انجام پروسه‌ی همه پرسی کردستان با هدف استقلال بگیرد، بنابراین تا زمانی که کردستان دارای ساختار مستقل سیاسی خود نباشد، به کاریزما و رهبر قدرتمند احتیاج دارد.

بر مبنای متن این مصاحبه‌ها به این نتیجه خواهیم رسید، که اقلیم کردستان برای اینکه ثبات سیاسی داشته باشد، و تلاش در جهت رسیدن به دستاوردهای سیاسی بزرگ اقدام نماید، جایگاه خود را در سطح منطقه و بین المللی ارتقاء دهد، احتیاج به رهبر کاریزماتیک قدرتمند دارد. بنابراین تا رسیدن به ساختار سیاسی مستقل، رفع تهدیدات علیه کردستان، تثبیت اصول دولت در قانون اساسی کردستان، به وجه‌ها و چهره‌های کاریزماتیک سیاسی نیاز داریم.

از سوی دیگر احزاب کردی نشأت گرفته از بطن فرهنگ جامعه‌ی خودش است، اما امروز سنت‌های جامعه‌ی کردی اندک اندک در حال تغییر اجتماعی و سپری نمودن پروسه‌ی آن تغییرات هستند و نشانگان آن نزول یافتن جایگاه تیره، طایفه، عشیره است، اما این امر پروسه روندی دراز مدت است که وابسته به ابعاد شناختی و فرهنگی جامعه می‌باشد. همچنین کشمکش میان نسل جدید و قدیم در مسیر این تغییر اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود.

(فرید اسسرد) در این مورد می‌گوید: "هم اکنون اقلیم کردستان در مرحله‌ی پایان حیات کاریزما (رهبران سیاسی قدرتمند) خویش است، مصطفی بارزانی که بزرگترین چهره‌ی کاریزماتیک سده‌ی

گذشته کردستان عراق بود در سال 1979 وفات کرد، جناب طالبانی در سن 84 سالگی درگذشت، نوشیروان مصطفی هم امسال درگذشت، مسعود بارزانی هم که اکنون در آواخر دوران پست ریاست اقلیم کردستان به سر می‌برد و تنها دو ماه از زمان قانونی ریاست جمهوری باقی مانده است، خودشان عمری دراز کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت، که مرحله‌ی کاریزماتیک در کردستان به پایان رسیده است. همچنین لازم است به این نکته اشاره کنیم به دلیل این که کردستان هیچ وقت دارای ثبات سیاسی نبوده، و نتوانسته دولت سیستماتیک بنیان بزند، همه اینها عاملی بوده تا کاریزمای سیاسی نقشی مهمی در مبارزه و مقاومت و جنبش و همچنین پی ریزی حکمرانی کوردستان در طول تاریخ کردستان ایفا کند."

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، رهبری کاریزماتیک احزاب کوردی تعاملات و همکاری آنان با همدیگر، به شکلی است که؛ کم و کیف این اختلافات، می‌تواند مسیر روابط خارجی احزاب و رویکرد کلان آنان در قبال مطالبات کردستان و مسایل پیرامونی را تغییر دهد. اما در هر صورت مرحله‌ی کاریزماتیک مختص به مرحله‌ی تعیین شده‌ای از تاریخ است و تکرار نمی‌شود، به همین دلیل بسیار مهم است که احزاب سیاسی خود را برای مرحله‌ی پسا کاریزمایی آماده کنند و در راستای تشکیل دولت و حکومتی سیستماتیک تلاش کنند.

3-2-5- نفی خشونت و تأکید بر گفتگو :

در این مورد آقای (محمود محمد) می‌گوید: "حزب دمکرات کردستان به عنوان قدیمی‌ترین حزب عرصه سیاسی کردستان

عراق، از بدو پیدایش و تشکیل خود با مبارزه‌ای مدنی پا به عرصه سیاسی گذاشت. همیشه تلاش کرده، که بنیادهای دموکراسی را در عراق تثبیت کند و سپس در مراحل مختلف و نقاط عطف تاریخی تلاش و حضوری مضاعف داشته است. برای مثال در بازنویسی قانون اساسی عراق در سال 1958 در زمان حکومت عبدالکریم قاسم، سپس در سال 1970 توانست برای نخستین بار قانون خودگردانی «اتونومی» (autonomy) را برای کردستان به ثبت برساند، به همین دلیل معتقدم که حزب دموکرات همیشه با شیوه‌ای دموکراتیک و سیاسی و از طریق گفتوگو به مبارزه پرداخته است، اما هنگامی که مشاهده می‌کند که حکومت‌های یکی پس از دیگری عراق با شیوه‌ای غیردموکراتیک و منشی نظامی و از روزه قدرت به خواسته‌ها و مطالبات کردها واکنش نشان می‌دهند، حزب دموکرات هم بعنوان حزبی سیاسی مبارزه‌ای نظامی و مسلحانه را انتخاب می‌کند.

همچنین (فرهاد ملا صالح) در مورد احزاب اسلامی کردستان می‌گوید: "بعد از قیام سال 1991 اتحادیه‌ی اسلامی تنها حزب سیاسی بود که به شکلی مدنی و دموکراتیک و با رویکرد میانه‌رو اسلامی دست به مبارزه سیاسی زد، اساس و بنیادی برای گسترش فرآیند دموکراسی و توسعه سیاسی در کردستان شد. بصورت مستمر سعی نموده که آشتی میهنی و تفاهم میان نیروها و جریان‌های سیاسی را از طرق گفتوگو ممکن کند. اتحادیه اسلامی بر مبنای فاصله گرفتن از فکر اسلامی خشونت طلب و تروریستی و شکل دهی به فکر اسلامی میانه‌رو، توانست تفکرات اسلامی را در

کردستان گسترش دهد. از خشونت‌های اسلام‌گرایی تندرو و تروریستی جلوگیری کند".

بر مبنای متن مصاحبه‌های فوق می‌توان گفت: علی‌الرغم درگیری‌های سیاسی، نظامی و جنگ‌آوری و زندگی در محیط کوهستانی و فرار تعقیب‌های زندگی در کردستان عراق، همیشه درگیر خشونت و کشت و کشتار بودن و تجربه‌هایی همچون انفال و نسل‌کشی و کوچ اجباری (سیاست‌ترحیل) پی‌درپی، سرکوب و خفقانی که از طرف دولت‌های مرکزی به این مردم وارد شده است. اما هیچ وقت سیاستمداران کورد گفتوگو را رد نکرده‌اند، همواره بر نفی خشونت تأکید کرده و خواهان حل مسالمت‌آمیز مسئله کورد در چارچوب عراق بوده‌اند.

4-2-5- موقعیت ژئوپولیتیک اقلیم کردستان:

کردستان عراق، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود 7400 کیلومتر مربع نزدیک به ۶ میلیون نفر از جمعیت این کشور را در خود جای داده است، و شامل استان‌های «دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، بخشی از استان‌های دیاله و نینوا» است. که در کل حدود ۲۰ درصد وسعت عراق را در می‌گیرد. علاوه بر آنکه دارای ذخائر و مناطق نفت خیز و آبی فراوان و زمین کشاورزی زیادی است (طالب، 2005: 11). کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی زیستگاه و موطن کوردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد. از طرفی دیگر

کردستان بین پنج دولت خاورمیانه‌ای، یعنی ایران، ترکیه، سوریه عراق و ارمنستان و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات ایران، عربستان و اناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است (همان: 13). موقعیت بسته‌ی جغرافیای کردستان، بزرگترین چالش پایدار ژئوپولیتیک آن است. پیش نیاز هر گونه مبادله با جهان خارج، جلب همکاری کشورهای پیرامونی به ویژه ایران و ترکیه است.

در این مورد (د. نجدت آکراهی) می‌گوید: "حکومت اقلیم کردستان از سال 1992، به نوعی دفاکتو دارای حکومت و مؤسسات خود است. در چارچوب عراق این اقلیم همیشه گرایش گریز از مرکز را نشان داده است، کردستان عراق از لحاظ ژئوپولیتیکی که در خشکی قرار گرفته است، اما این ظرفیت را دارد که برای همسایگان خود، به شکلی معبری برای خاورمیانه شمالی عمل کند، این منطقه خودمختار ظرفیت تبدیل شدن به منطقه فشار علیه میدان‌های متعارض ترکیه، ایران، عراق را دارد."

همچنین «د. آکو حمه کریم» بر این باور است که: "در طول 26 سال حکمرانی، حکومت اقلیم کردستان همیشه سعی بر این داشته است که کردستان به ساحت کشمکشهای منطقه‌ای، معادلات خاورمیانه‌ای تبدیل نشود، بلکه کردستان به عنوان بخشی از حل مسئله و عامل امنیت ایفای نقش نموده است، اکنون که بحران‌های منطقه به اوج خشونت و درگیرهای خونین رسیده است، اقلیم کردستان به عنوان نیروی اساسی و حفاظت از منطقه به مدت چهار سال به جای همه جهان در مقابل بزرگترین گروه تیروریستی داعش جنگید و توانست برای اولین بار افسانه داعش را درهم کوبد، و در

این راه هزاران شهید را تقدیم کرده است، بنابراین می‌توان گفت کردستان عراق از لحاظ ژئوپولیتیکی منطقه‌ای امن و آرام برای همسایگان خود شده است، و توانسته ثبات سیاسی، امنیت کشورهای همسایه خود را حفظ کند.

بر اساس متن مصاحبه‌های فوق می‌توان گفت؛ اقلیم کردستان از لحاظ ژئوپولیتیکی دارای موقعیت مهم، و جایگاه قدرتمندی است. هیچ وقت باعث تهدید و ناآرامی کشورهای همسایه خود نشده است، بلکه باعث نوعی از ثبات برای مرزهای منطقه‌ای، و همچنین به دلیل منابع غنی نفت و گاز و منابع آبی فراوان، و سرزمینی این اقلیم در چند سال اخیر به منطقه‌ای تجاری و اقتصادی بزرگی تبدیل شده است، که در حال حاضر شرکت‌های بزرگ جهانی مشغول به سرمایه‌گذاری نفت و گاز هستند، همچنین کشورهای ایران و ترکیه سودمند اول از بازار کردستان هستند. اکنون هزاران شهروند ایرانی، ترکیه در اقلیم کردستان مشغول به کار و سرمایه‌گذاری‌اند. که این امر نشانه از ثبات سیاسی و امنیت این منطقه است. در مقابل بغداد که درگیر تنازعات داخلی شیعی و سنی است. به همین دلیل می‌توان گفت ژئوپولتیک کردستان زمینه‌ای بسیار مهم برای توسعه سیاسی و امنیت ملی پایدار و رشد دموکراسی در خاورمیانه است.

3-5- شرایط زمینه‌ای¹⁰:

شرایط زمینه‌ای مجموعه‌ای خاص از شرایطند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند (محسنی تبریزی، 1395: 291). شرایط زمینه‌ای منشأ

در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند از زمینه‌هایی که در آن راهبردهایی به پدیده توسعه سیاسی بسط یافته‌اند، همزیستی مسالمت‌آمیز، گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی، مشروعیت بین المللی، زیر بنای اقتصادی و سرزمینی.

1-3-5- گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی :

در این مورد (سعدی احمد پیره) می‌گوید: "بعد از قیام سال 1991 از سه مرحله گذر کرده‌ایم: مرحله‌ی نخست: در حقیقت آنچه که تحت عنوان گذار از مشروعیت جنبش مسلحانه به مشروعیت قانونی عنوان می‌شود، مرحله‌ای سخت و حساس بود که چگونه بتوانیم قدرت را از احزاب سیاسی دارای نیروی مسلحانه پس بگیریم و در چارچوب قانون و حکومت قرار دهیم، یا کسی را در مدیریت اداره بهداشت استخدام نمایی که دکتر باشد، کسی را به عنوان وزیر و پارلمان‌تار بپذیری که حداقل مدرکی دانشگاهی داشته باشند، بنابراین در مقام حزب ناگزیر می‌شدی که در مبارزه‌ی مدنی کسانی که پیشمرگه بودند و سواد نداشتند در حاشیه نگه داری و تنها می‌توانی مستمری پیشمرگه‌ی دوران جنگ را به او اختصاص دهی، چون نمی‌توان مسئولیت را به شخصی بی سواد واگذار کنی، که متأسفانه درون همه احزاب آن زمان از این اشخاص زیاد بودند. از سوی دیگر هدفمان حفاظت از تجربه‌ی حکمرانی و بقای آن بود، همراه با تأمین نیازهای معیشتی زندگی شهروندان، آبادسازی روستاها و بخش کشاورزی، تداوم پروسه‌ی تحصیل و تدریس، آب و برق و امور راه‌ها، که هم اکنون می‌توان گفت، که روستایی در کردستان نیست که آباد و احیا نشده باشد و امور خدماتی در

مدارس، مساجد، درمانگاه‌ها و راه‌ها انجام نشده باشد. همچنین برگزاری پروسه‌ی انتخابات و بنیان نهادن نهادهای حکومتی، ظهور احزاب سیاسی جدید، رقابت میان احزاب با هدف رسیدن به قدرت، از اتفاقات درخشان این دوران بود. مرحله‌ی دوم: چگونگی پایان دادن به جنگ داخلی و برقراری آشتی ملی و میهنی بود. مرحله‌ی سوم: نابودی رژیم بعث و تلاش برای احیا و آبادانی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و نفت و گاز طبیعی در کردستان بود، که با تلاش حکومت اقلیم کردستان اکنون این اقلیم در نقشه‌ی جهانی انرژی و نیرو جایگاه مهمی دارد. همچنین توانستیم تا قبل از ظهور داعش اقدامات بزرگی را در توسعه‌ی حیات دمکراتیک و توسعه‌ی اقتصادی و زندگی و وضعیت مردم از نظر اقتصادی در مسیر مناسب و شایسته‌ای بود، توانستیم چندین دانشگاه بین‌المللی و دولتی بسازیم و هم اکنون در اکثر شهرها و شهرستان‌های کردستان دانشگاه وجود دارد و اینها فارغ از این است که احزاب سیاسی توانستند با همدیگر به رقابت سیاسی بپردازند و اپوزسیون سیاسی پدیدار شود".

بر مبنای متن مصاحبه فوق می‌توان گفت؛ گذار و انتقال از مرحله مبارزه‌ی نظامی و مسلحانه، به مرحله‌ی مدنی و حکمرانی کار ساده‌ای نیست، زیرا مبارزه‌ی نظامی، استراتژی و مکانیزم و سازوکار مختص به خود را دارد که با مبارزه‌ی مدنی و دولت‌داری بسیار متفاوت است، در مبارزه‌ی نظامی پیوسته در راستای دستیابی به مجموعه‌ای از دستاوردها و اهداف سیاسی و نظامی تلاش می‌شود، تا از این طریق بتوانی به دشمن آسیب برسانی یا برای دفاع از خود ناگزیر پلی را منفجر و تخریب نمایی، اما در

مبارزه‌ی مدنی مسئولیت سخت‌تری در قبال زندگی و حیات و معیشت مردم تعریف می‌شود و به جای تخریب پل و جاده، باید پل‌ها و جاده‌های جدیدی بسازی و مایحتاج و نیازهای مردم را تأمین کنی.

اما (یوسف محمد صادق) می‌گوید: "فارغ از آن دستاوردهای بزرگی که بعد از خیزش میسر شد، تعداد انگشت شماری بودند که این تفاوت را حس می‌کردند، و آن تفاوتی بود میان مبارزه‌ی دوران کوهستان با دوران مدنی و دولت‌داری، که هر کدام استراتژی و جهانبینی خاص خود را می‌طلبد، من از جناب (نوشیروان مصطفی) در این باره پرسیدم ایشان هم همین نگاه را داشتند، اما گفتند که در آن زمان رهبران سیاسی کورد از برخی شخصیت‌های علمی و دارای مدارج عالیه که ساکن بغداد بودند و تجربه‌ای خوب در مدیریت و سازماندهی کردن داشتند، درخواست کردند که به کردستان بازگردند و در بنیان‌گذاری و آبادسازی دوباره کردستان نقش ایفا کنند، اما متأسفانه کسی به استقبال این فراخوان و دعوت نیامد، زیرا باور داشتند که این تجربه و آزمون هم مانند تجربه‌های پیشین گذشته موقت است و فرو می‌پاشد چنانکه (جمهوری کردستان در مهاباد) و (حکومت شیخ محمود در سلیمانیه) از هم فرو پاشیدند، به همین دلیل رهبران سیاسی کورد ناگزیر در وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها کسانی را به کار گرفتند که دارای مدارج عالیه نبودند و همان کسانی بودند که در دوران مبارزه‌ی مسلحانه حضور داشتند، اینان چون غالب عمر خود را مشغول و درگیر مبارزه‌ی مسلحانه بودند، نتوانستند برطبق انتظار، درخواست‌ها و مطالبات مردم کردستان را برآورده سازند."

خلاصه می‌توان گفت که باوجود همه‌ی مشکلات و موانع احزاب سیاسی توانستند قدم به قدم تجربه‌ی حکمرانی اقلیم کردستان را پیش ببرند. اصول دموکراسی، حقوق بشر، حفظ حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی، پروسه برگزاری انتخابات، تبادل و تغییر قدرت، آزادی رسانه و آبادانی و توسعه‌ی کردستان را در زمینه‌ی کشاورزی و جذب سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی نفت و گاز توسعه دهند، و اگر 4 سال جنگ داخلی کنار بگذاریم آنگاه مشخص می‌شود که کردستان در زمینه رشد و پیشرفت فرهنگ دموکراسی و توسعه سیاسی، به مرحله حکومت‌داری گام‌های بلندی برداشته است، اما هنوز هم دارای چالش‌های زیادی است، در مدیریت حکومت‌داری.

2-3-5- همزیستی مسالمت‌آمیز:

(آریان فرج) در این مورد می‌گوید: "این مسئله یکی از مسائلی است، که اقلیم کردستان می‌تواند همیشه بعنوان تجربه موفق سیاسی و اجتماعی به آن افتخار کند، کردستان تنها منطقه‌ای در عراق است که هیچ وقت ساکنینش بخاطر مسائل دینی و مذهبی و ملی مورد تبعیض قرار نگرفته‌اند بلکه به پناهگاهی آرام برای مردمان دیگر نیز تبدیل شده است."

از طرفی دیگر (مونا قهوه‌چی) می‌گوید: "ما با عنوان ملت ترکمن از دیر زمان با ملت کورد در این سرزمین به طور آشتیانه و مسالمت‌آمیز زندگی کرده‌ایم. همچنین احزاب ترکمن به شکل آزادانه به فعالیت سیاسی خود می‌پردازند، دارای مراکز فرهنگی، آموزشی، مجله و رادیو تلویزیون خود هستیم، از جانب دیگر در پارلمان کردستان 6 کرسی برای ملت ترکمن تثبیت

شده است. همچنین در تمام کابینه‌های حکومت دارای پست وزارتخانه بوده‌ایم، که این دستاورد خوبی برای ملت ترکمن در اقلیم کردستان است."

همچنین (ابوبکر علی) در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه می‌گوید:

"امیدوارم نگرش کشورهای همسایه به ویژه (ایران) نسبت به اقلیم کردستان عوض شود زیرا رویکرد فعلی برخلاف فلسفه سیاسی آنهاست که مفهوم دفاع از (مستضعفین) را ترویج می‌کند، کردها هم مثل فلسطینی‌ها از آن ملت‌هایی هستند که مورد ظلم و ستم و استثمار واقع شده‌اند. ما خود یکی از قربانیان دست اسرائیل در منطقه هستیم، این برخلاف نگاه و سخنانی است که برخی از نویسندگان و روشنفکران سیاسی که از اقلیم کردستان تحت عنوان اسرائیل دوم در منطقه یاد می‌کنند می‌باشد. زیرا برطبق برخی از اسناد شکست جنبش کورد در سال 1975 به دلیل توافقنامه سیاسی بود که میان (آمریکا، عراق، ایران و اسرائیل) امضا شد. که در آن زمان اسرائیل به‌شاه ایران کمک کرد تا با دولت عراق در جهت پایان دادن به جنبش و مقاومت ملت کرد متحد شود، بنابراین ما فلسطین دوم هستیم نه اسرائیل دوم، و همیشه خواهان همزیستی مسالمت‌آمیز با دولت‌های همسایه خود بوده‌ایم و در طول این 26 سال حکومتداری این را ثابت کرده‌ایم، که کردستان منطقه‌ای آرام و باثبات بوده برای کشورهای همسایه."

3-3-5- مشروعیت بین المللی اقلیم کردستان :

اقلیم کردستان طی سال‌های گذشته سعی در توسعه و تقویت روابط سیاسی و اقتصادی خود با جهان مخصوصاً اروپا و کشورهای عربی نموده است. در سطح بین‌المللی و روابط با سایر کشورها در قانون اساسی عراق آمده است که «حکومت‌های منطقه‌ای می‌توانند در زمینه‌های مورد نظر و همچنین امور محلی کشورهای دیگر به امضای توافق نامه بپردازند و همچنین می‌توانند به طور مستقیم با گروه‌های خارجی که همسطح خودشان هستند روابط داشته باشند». بر این اساس حکومت اقلیم کردستان توانسته است روابط خارجی خود را با سایر کشورها در زمینه‌های تجاری، اقتصادی، سیاسی برقرار کند.

همان طور که (فلاح مصطفی) می‌گوید: «کنسولگری‌های کشورهای خارجی در اربیل شامل «ایران در هر دو شهرستان (اربیل و سلیمانیه)، آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه، آلمان، ترکیه، کره جنوبی، اردن، امارات متحده عربی، مصر، فلسطین، مجارستان، لهستان، کویت، قطر، هلند، ژاپن، بلغارستان، ایتالیا، سریلانکا، ایتالیا» هستند. همچنین دفاتر روابط و همکاری‌های تجاری و کنسولگری‌های افتخاری عبارتند از: یونان، جمهوری چک، اسپانیا، دانمارک، فنلاند.

همچنین در حال حاضر حکومت اقلیم کردستان دارای 12 دفتر نمایندگی مختص به خود است که عبارتند از: آمریکا، فرانسه، انگلیس، اسپانیا، روسیه، آلمان، ایران، استرالیا، سوئد، یونان، بلژیک، اتحادیه اروپا.

خلاصه می‌توان گفت، اقلیم کردستان عراق توانسته است از لحاظ دیپلماتیک رابطه قدرتمندی با سایر کشورهای جهان برقرار کند، که این امر باعث شده که کردستان دارای مشروعیت بین‌المللی قدرتمندی باشد، به عنوان کشوری نیمه مستقل رفتار کند.

4-3-5- تقویت زیر بنای اقتصادی و سرزمینی:

اقلیم کردستان عراق تا قبل از سال 1991 جزء عقب مانده‌ترین مناطق جهان از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود، طی برنامه‌های مختلفی که سال‌ها حکومت‌های یکی پس از دیگری عراق که دنبال می‌کردند مانع از توسعه اقتصادی کردستان شده بودند، آنچه رژیم‌های پیشین به ارث برای این منطقه جا گذاشتند، ویران شدن نزدیک به 5000 روستا، نسل‌کشی، کیمیاباران، تغییرات جمعیتی، غارت منابع مادی و معنوی، فقر مطلق مناطق کردنشین، بعد از سال 1991، حکومت تازه تأسیس شده به سختی توانست از این عوارض عبور کنند.

در این مورد (د.نجدت اکری) می‌گوید: "رژیم بعث در دهه 90 با هدف نابود کردن تجربه‌ی حکمرانی کردستان همه‌ی مؤسسات و نهادهای مدیریتی‌اش را در کردستان منحل کرد، زیرا چنین تصور می‌کرد که احزاب سیاسی که از کوهستان و کوه‌ها بازگشته‌اند و چیزی از مدیریت و حکمرانی نمی‌فهمند، آن زمانی که (جبهه‌ی کردستانی) حکومت می‌کرد با اساتید و معلمان، پزشکان و پلیس‌ها حرف زد و تشکیل جلسه داد و از آنها خواست که در خدمت رسانی وظایف خود را انجام دهند تا زمانی که توانایی پرداخت مستمری‌شان را پیدا کنیم. آنها هم بسیار جسورانه درخواست‌ها را

قبول کردند، سپس با ثروتمندان شهر جلسه گذاشتند و از آنها خواستند در پرداخت مستمری اساتید و پزشکان همکارشان باشند و آنها نیز تقبل کردند، این موضع مردم وطن دوست آن زمان بود.

در اینجا می‌توان به این نتیجه‌رسید، که از 1991 تا 2003 حکومت اقلیم کردستان در مرحله بسیار سختی قرار گرفته بود، که هیچ زیر بنای اقتصادی و سرزمینی نداشت برای رشد توسعه اقتصادی، اما اوج فعالیت‌های اقتصادی اقلیم کردستان از سال 2003 به بعد بود، که با سرعتی باور نکردنی توانستند از نظر اقتصادی به سطح قابل قبولی دست پیدا کنند، به طوری که از نظر اقتصادی کردستان به لحاظ قرار گرفتن بر راه خطوط لوله نفت صادراتی عراق به ترکیه و اروپا، شاه‌رگ‌های اقتصادی موقعیت راهبردی خود را افزایش دهد. موفق شد شرکت‌های بزرگ بین المللی همچون (اکسون موبیل، گانل انرژی، DNO انرژی، دانا گاز اماراتی، گازپروم، روز نفت روسی ...) را به کردستان بیاورد. این کمپانی‌ها در زمینه‌ی بخش نفت و گاز کردستان سرمایه‌گذاری کنند، که این اقدام بزرگیست در جهت استقلال اقتصادی و ثبات سیاسی اقلیم کردستان، همچنین در زمینه‌های آموزشی و تربیتی و تحصیلات عالی حکومت اقلیم کردستان اقدامات بزرگی انجام داده است، از این جهت که توانست به شکل مستمر در برنامه‌های تحصیلی متناسب با پیشرفت‌ها و توسعه‌یافتگی‌های زمانه تغییر ایجاد کند.

5-4- شرایط میانجی و مداخله‌گر:

منظور از شرایط مداخله‌گر و میانجی وضعیت‌های است که بر اتخاذ راهبردهای و کنش و تعامل تأثیر گذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط

به عوامل و عناصری مناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کنترل یا فعال‌تر می‌سازند (محسنی تبریزی، 1395: 292). در این مقاله شرایط مداخله‌گری که به کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می‌کنند، عبارتند از: تنوع قومی و تنوع ادیان، ساختار عشیره‌ای و فساد درونی احزاب، رسانه‌ها و مطبوعات، قدرتمندی شاخه نظامی.

1-4-5- تنوع قومی و ادیان:

آقای (د.فرست صوفی) می‌گوید: "از منظر قانونی، قانون اقلیت‌ها وجود دارد که در دوره چهارم پارلمان کردستان تصویب شد، همچنین بر طبق قانون سیستم "پشتیبانی" برای اقلیت‌های ملی تصویب شده است که دارای 11 کرسی پارلمانی هستند و از نظر قوانین فردی حقوق آنها نیز لحاظ شده است و در پروژه‌ی پیش نویس قانون اساسی کردستان تلاش شده که حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی به شکلی مناسب و شایسته تثبیت شود. از منظر سیاسی هم، بعد از سال 1991، اقلیت‌ها همیشه در فعالیت‌های سیاسی، مشارکت کارآمد داشته‌اند، چه در داخل پارلمان یا مشارکت‌شان در چارچوب کابینه‌های یکی پس از دیگری حکومت اقلیم کردستان، همیشه دارای پست وزارت بوده‌اند."

به طور کلی می‌توان گفت فرهنگ کوردی همیشه برای خرده فرهنگ‌های دیگر احترام و ارزش قائل بوده، به همین دلیل مشاهده می‌کنیم زمانی که در بخش‌های مختلف عراق مسیحی و ملت‌های دیگر با خطر تروریستی و قتل و نابودی مواجه می‌شوند و کنیسه‌ها تخریب می‌شوند، در اقلیم کردستان به مطالبات و نیازها و اراده و خواسته‌های آنان احترام گذاشته می‌شود و حقوق سیاسی،

اجتماعی، دینی‌شان رعایت می‌شود. همچنین از نظر احزاب سیاسی کردستان، همان طور که بیشتر مصاحبه کنندگان گفته‌اند، هیچ گاه هویت دینی آنان به مانعی در برابر مشارکت سیاسی‌شان تبدیل نشده است، به همین دلیل با آزادی زیادی می‌توانند به فعالیت سیاسی بپردازند و درها به‌رویشان گشوده است، و در همین راستا ما حضور مسیحیان و ترکمن‌ها را در داخل بیشتر احزاب سیاسی می‌توانیم به عین مشاهده کنیم.

2-4-5- رسانه‌ها و مطبوعات:

رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان یکی از ارکان دموکراسی و بازوهای قوی جامعه مدنی عمل می‌کنند، همواره در اعتمادسازی دولت‌ها نقش مؤثری بازی می‌کنند، مشکلات و کمبودهای جامعه را به گوش دولتیان می‌رسانند. مطبوعات یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر تحولات اجتماعی، سیاسی جوامع از زمان پیدایش تا به امروز بوده است. به عبارت دیگر ضرورت‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری مطبوعات، روزنامه‌ها نیازهای سیاسی جوامع بوده است.

در این مورد (بهمن عبدالله) می‌گوید: "هیچ نوع سانسور و مانعی از طرف حکومت در تقابل با فعالیت روزنامه‌نگاری قرار نمی‌گیرد. کردستان دارای قانون مناسبی در حوزه فعالیت مطبوعاتی است. اما از طرفی دیگر برای امنیت سیاسی و اجتماعی، که هنوز راه درازی تا رهایی و آزادی میهنی و ملی در پیش داریم، رسانه‌ها و مطبوعات تأثیراتی در بعضی از موارد در جهت برهم زدن صفوف اتحاد و همدلی ملی و جریان‌های سیاسی عمل کرده است که این هم وابسته به آن فضای بسیار آزادانه‌ایست که برای فعالیت

رسانه‌ای تعریف شده که در بسیاری از موارد، از خطوط قرمز ملی و میهنی تجاوز کرده است. بنابراین از نظر من، ما هیچ مشکلی با بودن آزادی در اقلیم کردستان نداریم، بلکه مسئله ما باز تعریف و دوباره تعریف کردن آزادی در کردستان است."

خلاصه می‌توان گفت این مقولات بیانگر آن هستند که در اقلیم کردستان نهادها و مؤسسات رسانه‌ای اعم از رسانه‌های بصری، شنیداری و نوشتاری در سطحی عالی هستند و از نظر آماری هم بعضی از آنها وابسته به احزاب سیاسی و بعضی از آنها هم تحت عنوان مطبوعات آزاد و مستقل فعالیت می‌کنند، اکنون در کردستان نزدیک به 137 مجله، 333 روزنامه، 36 شبکه‌ی ماهواره‌ای، 132 شبکه‌ی رادیویی و 73 شبکه‌ی داخلی دارد که در مجموع درصد 24.5% روزنامه، 9.6% مجله، 39% رادیو، 47% شبکه‌ی ماهواره‌ای و داخلی که حزبی و آزاد هستند.

3-4-5- ساختار عشیره‌ای، فساد درونی احزاب:

عدم توسعه شهرنشینی و محرومیت کردستان در سال‌های قبل از تشکیل حکومت اقلیم، ویران کردن زیربنای این منطقه از سوی رژیم‌های پیشین، تأسیس احزاب در کوهستان ساختار عشیره‌ای و قبیله‌ی اجتماع‌های اولیه را حفظ کرده است. و همواره رفتار مردم اقلیم را براساس آن تنظیم کرده است. این شیوه و سبک از زندگی در معنای ابن خلدونی امر عشیره‌ای متناسب با جنگ آوری و زندگی به دور از شهود دنیای مدرن است که نیازمند زمان برای تغییر الگوها و شیوه‌های رفتاری است و همواره مانعی بر سر راه توسعه سیاسی و حیات دموکراتیک در این اقلیم است.

در این مورد (د.آکو حمه کریم) می‌گوید: "ساختار عشیره‌ای، قدرتمندی شاخه نظامی احزاب حاکم، فساد سیاسی و اداری، از جمله عواملی هستند که مانعی بر سر راه توسعه سیاسی اقلیم کردستان هستند. درباره‌ی نقش نهادها و سازمان‌ها می‌توان گفت؛ که تاکنون طبق انتظار شهروندان و پیشرفت‌های مرحله‌ی امروزین نیستند و تطابق زیادی با معیارهای کنونی دموکراسی ندارند و خلأ و فقدان بسیار است. به عنوان مثال در بسیاری اوقات جایگاه اجتماعی، طایفه‌ای، اقتصادی نقش مهمی در بدست آوردن پست، جایگاه حکومتی و حزبی، بازی می‌کند. در بسیاری اوقات برای حل اختلافات بجای رجوع به دادگاه و نهادهای قضایی به سنت صلح قبیله‌ای و عشایری روی آورده می‌شود، به همین دلایل جامعه‌ی کوردی تاکنون هم نتوانسته از مرحله‌ی پابندی به اصول و نورم و ارزش‌های عشایری و اجتماعی عبور کند. که این امر مانعی بزرگ در برابر پروسه‌ی دموکراسی و توسعه سیاسی اقلیم کردستان است که برای عبور و گذر از آن نیاز به تلاش و فعالیت بیشتری هست."

همچنین (د.محمد علی) بر این باور است که: " تاکنون بحث سیستم قضایی و دادگستری‌ها و مدیریت حکومت، تجربه خوبی رقم نخورده است که این امر هم معلول عللی چند است: 1- تغییرات زیادی در تأثیرات ساختار عشایری و قبیله‌ای رقم نخورده است، برای همین در بسیاری از موارد برای حل مشکلات به صلح عشایری و سنتی تمسک می‌جویند 2- تداخل احزاب در سیستم قضائی 3- احزاب برای قدرت نفوذ و میزان رأی خودشان پشتیبانی از عشایر با نفوذ و قدرتمند می‌کنند."

بنا به مقولات فوق می‌توان گفت؛ که مسئله فساد و ساختار عشیره‌ای و نبودن یک سیستم قضائی قدرتمند، شرایط مداخله‌گری هستند که در سر راه توسعه سیاسی اقلیم کردستان ایستاده‌اند، که نیاز به تغییرات سریع و اصلاحات جدی دارند.

4-4-5- قدرتمندی شاخه نظامی احزاب:

کارگزاران اقلیم کردستان همیشه بر سازندگی یک نیروی نظامی منسجم در قالب یک ارتش واحد تأکید می‌کنند. به خصوص هر دو حزب قدرتمند (اتحادیه میهنی و حزب دموکرات) که دارای نیروی نظامی مختص به خودشان هستند، برای متحد کردن نیروهای نظامی و اطلاعاتی تلاش زیادی کرده‌اند، اما به دلیل اینکه هر دو حزب در دهه 90 در جنگ داخلی بوده‌اند، تا حالا اطمینان زیادی در این مورد به هم دیگر ندارند. همچنین سال‌ها مبارزات مداوم و درگیری باعث تقویت شاخه نظامی این احزاب شده است.

در این مورد (هیمن هورامی) می‌گوید: "شکی در این نیست که همه‌ی احزاب سیاسی در مراحل مختلف ظهور تاریخی خود قبل از سال 1991، دارای شاخه نظامی بوده‌اند، که علیه ظلم و تجاوز رژیم بعث مبارزه کرده‌اند و در این راه هزاران شهید تقدیم نموده‌اند، متأسفانه بعد از قیام سال 1991 این شرایط فراهم نشد که تمام این نیروها و قوای نظامی تحت سیطره و عنوان سپاهی واحد گردهم آیند و متحد شوند اما هم اکنون اقداماتی در دست اجراست که همه‌ی نیروهای نظامی وابسته به احزاب سیاسی که تاکنون تحت نظارت وزارت پیشمرگه درنیامده‌اند، جذب این ساختار شوند. در همین راستا 14 تیپ در چارچوب وزارت پیشمرگه

جایگزین شده‌اند و تحت نظارت وزارت پیشمرگه هستند. همچنین 3 تیپ از طرف نیروهای سپاه آمریکا با همه امکانات نظامی خود بعنوان سپاهی نظامی تنظیم و سازمان دهی شده‌اند و همچنین کشورهای (آمریکا، انگلیس، کانادا، آلمان و ایتالیا) با همکاری و مشارکت همدیگر سعی در تنظیم و تدوین برنامه و استراتژیک مشترک دارند جهت سازماندهی واحد برای ایجاد سپاه نظامی کامل برای حکومت اقلیم کردستان در طول برنامه‌ای 5 ساله که اکنون در حال اجرا شدن است.

خلاصه می‌توان گفت؛ این مسئله همیشه مایه نگرانی احزاب سیاسی دیگر به خصوص اپوزسیون شده است، که قدرت نظامی «حزب دموکرات و اتحادیه میهنی»، مانعی برای ایجاد تغییرات سیاسی و تبادل قدرت نرم شده است. اما اگر نگاهی به وضعیت احزاب کوردی موجود در اقلیم کردستان پس از 26 سال تجربه حکمرانی بیندازیم، ناگزیر باید افق دیگری را به بررسی‌های پیشین بیفزاییم از جمله: واگرایی احزاب حاکم و رهبران آنها به پدیده نظامی، حزبی بودن کماکان نهادهای نظامی و امنیتی و مسائل عدیدی دیگر که هر کدام از این آسیب‌ها اشاره‌ای عمیق‌اند به «استمرار روندهای گذشته و تاریخی تا زمان حال و بازتولید آن روندها در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومت اقلیم کردستان با فرم و روکش مدرن آن». در مقابل این روند بروز و ظهور بعضی احزاب به شکل طبیعی و در چارچوب قانون احزاب و پیدایش اپوزسیون بعنوان نسلی جدید از سطح نقد و تحلیل وضع موجود را می‌توان آغاز مرحله‌ای نوین در حیات سیاسی جامعه کوردی در این بخش از کردستان نامید. به همین دلیل برای رفع این موانع ضروری است که

احزاب سیاسی تمام نیروها را در چارچوب یک سپاه واحد سازماندهی کنند.

5-5- کنش و تعامل «راهبردها»^{۱۲}:

راهبرد میکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شود. کنشگران جهت تحقیق پدیده به تدابیری می‌انديشند و با توجه به شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند. استراوس و کربین راهبرد را چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر راهبرد کنش‌های هدفمندی است که برای حل یک مسئله با نيل به اهدافی صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آنها پدیده محقق می‌شود (استراوس و کربین، 1390: 155). در این مقاله بر راهبردهای متعددی از سوی صاحب‌ه شونده‌گان جهت حصول به پدیده «توسعه سیاسی» تأکید گردیده است که عبارتند از: پلورالیسم حزبی، تقویت هویت ناسیونالیسم کردی، سازش ناپذیری در باب آرمان استقلال، جامعه‌پذیری سیاسی و بالا بردن سطح آگاهی.

1-5-5- پلورالیسم حزبی:

از بنیادی‌ترین پرسش‌های پیش روی سیاست پژوهان، موضوع قدرت، الگوهای توزیع آن، کیفیت رابطه حکومت و احزاب با شهروندان و گروه‌ها و میزان تأثیرپذیری آنها بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی است. هدف پلورالیسم در مقام رویکردی نظری به سیاست نیز تبیین و ارزیابی این مسائل بود. از این رو سیاست را عرضه رقابت گروه‌های مختلفی

تعریف می‌کردند که به دلیل دسترسی‌شان به منابع متفاوت هیچ یک قادر به تسلط کامل بر سایرین نبوده، تصمیمات سیاسی نیز حاصل توازن نیروها و فرآیندی گشوده تلقی می‌گشت (عباس زاده، 1393: 12).

د. عثمان علی ویس) در این مورد می‌گوید: "از نظر پلورالیسم سیاسی، اقلیم کردستان از سال 1992 تقریباً همیشه در یک حالت کثرات‌گرایی بوده است، برای مثال در انتخابات سال 1992 (5) حزب سیاسی در انتخابات مشارکت نمودند (حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، حزب سوسیالیست دموکرات کردستان، جنبش اسلامی، حزب ملت)، اما در آخرین انتخابات سال 2013 نزدیک بیست (20) حزب سیاسی غیر از اقلیت‌های دینی و مذهبی در انتخابات پارلمان کردستان مشارکت نمودند، همچنین در اولین انتخابات میزان ۷٪ برای ورود به پارلمان مشخص شده بود، اما اکنون هیچ میزان و سطحی مشخص و معین نگردیده است به همین دلیل اکنون احزابی وجود دارند که تنها با یک کرسی پارلمانی به مشارکت سیاسی می‌پردازند."

بنابر این می‌توان گفت: در کردستان بستری مناسب برای مشارکت سیاسی وجود دارد، و هیچ حزبی دارای اکثریت رأی و قدرت سیاسی نیست که این امر بستری مناسب فراهم نموده تا دیکتاتوری سیاسی در کردستان به وجود نیاید و تمام احزاب سیاسی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کردستان شرکت داشته باشند، همچنین بصورت مستمر کابینه‌های وزرای حکومت دارای نوعی از تکرر سیاسی است که بازتاب و انعکاس اکثریت احزاب سیاسی و ساختارهای قومی و مذهبی اقلیم کردستان می‌باشد.

2-5-5- سازش ناپذیری در باب آرمان استقلال:

یکی از پایه‌های توسعه سیاسی، وجود ساختار مستقل و چارچوبی قانونی است که در سطح بین الملل به آن اعتراف شده باشد، این امر هم با وجود دولت میسر می‌شود. حق تعیین سرنوشت، اصلی شناخته شده در حقوق ملت‌هاست که پس از جنگ جهانی اول در قالب اعلامیه مشهور 14 ماده‌ای ویلسون اعلام شد. در منشور سازمان ملل در مواد متعددی از جمله ماده 1، 55، 73، از اصل حق تعیین سرنوشت ملل حمایت شده است. البته غرب تاکنون از این اصل برای تجزیه بسیاری از کشورها استفاده کرده است، ماده یک میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1966 تأکید دارد که تمامی ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت خود هستند؛ ملل می‌توانند وضعیت سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین کنند (کاکایی، 1393: 129-130).

در این مورد (محمد سعید محمد علی) بر این باور است که: "بیست و دو کشور عربی و چندها کشور اسلامی دیگر وجود دارند، بدون اینکه برای وحدت امت اسلامی ضرری داشته باشند. این یک نوشته و حرف و ادعاء است؛ هیچ امت واحد، برادری و وحدتی در کار نیست، در حالی که این همه کشور اسلامی داریم این قانون و مشروع حق کجا است وقتی که کوردها انفال و شیمیاباران و جنوساید می‌شدند کدام کشور مسلمان و عربی از ملت کورد دفاع کرد، چرا همیشه از کوردها می‌خواهند که تابع یکی از این کشورها باشد. من به عنوان عضو دفتر سیاسی یک حزب اسلامی می‌گویم

که کوردها همیشه هوای تشکیل حکومت کردی را در سر می‌پرورانند. و حزب اتحاد اسلامی از این حق دفاع خواهد کرد."

خلاصه می‌توان گفت با توجه به حاکمیت جهانی شدن، دولت‌های همسایه باید بر این امر واقف باشند که دیگر آنها به تنهایی نمی‌توانند عامل و تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در حل منازعات و سرنوشت ملت کردستان باشند، بنابراین دوران (سایکس بکو - عهدنامه سور، عهدنامه الجزائر سال 1975، عهدنامه سعادت آباد سال 1937، و توافق نامه‌های میان ایران، ترکیه، سوریه در سال 1991 علیه ملت کردستان) به سرآمده و در این مرحله دوره جدید دیگری آغاز شده است که در آن کردستان به قطبی تبدیل شده است که در حل مسائل سرنوشت ساز نقش مهمی ایفا می‌کند، در جامعه بین الملل جایگاه سیاسی مهمی برایش قائل می‌شوند.

2-5-5-جامعه‌پذیری سیاسی و بالا بردن سطح آگاهی:

جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از «یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی»، جامعه‌پذیری سیاسی روندی آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتار پذیرفتنی نظام سیاسی، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند. بنا بر این هدف جامعه‌پذیری سیاسی، تربیت یا پرورش و بالا بردن سطح آگاهی اعضای کارآمد جامعه سیاسی می‌باشد. در واقع همه شکل‌های آموزش سیاسی، رسمی یا غیر رسمی، در بر می‌گیرد و روندی است که در آن مردم از راه مشارکت سیاسی فعال در دوره قبل از پرداختن به یک فعالیت سیاسی در داخل احزاب ارزش‌های سیاسی را کسب می‌کنند.

(مسعود عبدالخالق) می‌گوید: "تمام احزاب کردستان (سکولار و اسلامگرا)، دارای گرایش‌ات ناسیونالیستی هستند، و همیشه آن را تقویت کرده‌اند، و هیچ حزبی در کردستان نیست که در باب آرمان استقلال سازش کرده باشد، و احزاب اپوزسیون و حاکم در جهت رشد آگاهی شهروندان و جامعه‌پذیری سیاسی نقش فعالی داشته‌اند. قدرتمندی احزاب حاکم از یک طرف باعث جلوگیری از دیکتاتوری احزاب و از طرف دیگر پایه قوی در حفظ و قدرتمندی اقلیم کردستان بوده است."

همچنین (محمد جبار حکیم) می‌گوید: "احزاب سیاسی (حاکم و اپوزسیون) به طور فعال توانسته‌اند از طریق جامعه‌پذیری سیاسی تأثیرات خوبی از مواضع مثل رقابت سیاسی و انتخابات، بالا بردن سطح آگاهی شهروندان در مسائل ملی، مشکلات حکومت از نظر فساد مالی و اداری، اطلاع رسانی، تأثیرات در افکار عمومی برسانند."

نهایتاً می‌توان گفت که اقلیم کردستان نیازمند نیرو و جریان اپوزیسیون سیاسی است مانند سال‌های 2009-2013 که اپوزیسیون نقش مهمی در فرایند رشد و گسترش توسعه سیاسی داشت، زیرا سیستم سیاسی با قدرت و اپوزیسیون سیاسی شایسته و موفق است، چون همیشه قدرت در نبود و عدم اپوزیسیون سیاسی به سمت فساد و اهمال قدم بر می‌دارد، بنابراین بسیار مهم است که حزب یا احزابی خارج از ساختار قدرت در پارلمان وجود داشته باشند تا ناظر و منتقد کارها و اعمال حکومت باشند. و در نتیجه باعث افزایش سطح جامعه‌پذیری سیاسی آگاهی شهروندان خواهد شد.

6-5-پیامدها¹³:

آخرین اصطلاح پارادایمی در روش نظریه‌مبنایی استراوس و کوربین پیامدهاست. به زعم آنان هر جا راهبردی یا انجام عملی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی اتخاذ شود، پیامدهای همراه دارد «پدید می‌آورد» (محسنی تبریزی، 1395: 293). در مقاله حاضر هر یک از راهبردهای پیشنهاد شده از سوی کنشگران که به تحقیق و شکل‌گیری پدیده توسعه سیاسی منجر می‌گردد، عبارتند از: توسعه و تقویت سازمان‌های جامعه مدنی، افزایش آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی، حضور و فعالیت زنان، شکاف هویت قومی.

1-6-5-افزایش آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی:

حزب مهمترین نهاد دموکراسی و اساسی‌ترین ساختار سیاسی است گاهی، ایجاد یک جامعه شهروندی به فراگیر شدن حزب‌های سیاسی پیوند ناگسستنی دارد. پایداری شیرازه یک جامعه سیاسی به سطح مشارکت سیاسی یا نهادهای سیاسی احزاب و سازمان‌های آن جامعه بستگی دارد. در کل ثبات سیاسی، انسجام، امنیت ملی، رشد فرهنگ همزیستی و دیگرپذیری، تأمین و گسترش دموکراسی به نقش احزاب سیاسی در جامعه مربوط است.

حکومت اقلیم کردستان، به صورت نهادینه و قانونی امکان فعالیت سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف اجتماعی که ماهیتی مدنی را دارند، فراهم کرده است. احزاب متکثر با اهداف و برنامه و خط مشی‌های متفاوت در اقلیم کردستان به صورت قانونی مشغول به

فعالیت هستند و هیچ آرمان حزبی امکان کنار نهادن فعالیت دیگر احزاب را ندارد و علی الرغم تلاش‌های مخرب برخی احزاب، فعالیت آنها منع و ممنوع نشده است.

(یوسف محمد صادق) در این مورد می‌گوید: "از منظر قانونی در اقلیم کردستان برای مشارکت سیاسی احزاب هیچ موانعی وجود ندارد، از منظر سیاسی هم تشکیل حزب سیاسی هیچ ممانعت قانونی به همراه ندارد، مشروط بر این امر که در چارچوب قانون سیاسی احزاب سال 1993 تشکیل شود.

تکثر سیاسی به معنای بودن بیشتر از یک حزب سیاسی در هر جامعه‌ای است که برای هر کدام از اینها فرصت برابر و واقعی در راستای رقابت مسالمت‌آمیز جهت رسیدن به قدرت وجود داشته باشد. بدین معنا که موفقیت هر حزب سیاسی در سیستمی دموکراتیک وابسته به میزان حمایت عمومی از برنامه‌ها و نامزدهای آن برای تصدی پست‌های عمومی است، و این هم نیازمند فرصت برابر و یکسان برای تمام احزاب سیاسی به یک اندازه است."

اما (د. محمد علی) در این مورد می‌گوید: "تاکنون موانعی پیش روی سیستم چند حزبی و تغییر نرم و مسالمت‌آمیز قدرت وجود دارند که عبارتند از: فرصت برابر برای همه‌ی احزاب سیاسی به یک اندازه در پروسه انتخابات فراهم نشده است. همچنین منابع اقتصادی و نیروهای نظامی از طرف هر دو حزب حاکم کنترل می‌شود، از سوی دیگر تاکنون اقلیم کردستان دارای قانون اساسی نیست که به شکلی شفاف و روشن رابطه بین شهروند و قدرت و ارتباط حزب با حکومت و همچنین تفکیک قوای سه گانه (قضایی،

مقننه، مجریه) در آن تنظیم شده باشد، که همه‌ی اینها موانعی بر سر راه مشارکت واقعی احزاب سیاسی است". خلاصه در متن این مصاحبه‌ها می‌توان گفت؛ فضای کردستان فضائی است، که مستعد بوده بیش از حد نیاز زمینه و بستر مشارکت سیاسی را برای همه‌ی نیروهای سیاسی مهیا کند، و اگر فضای دموکراتیک در کردستان حاکم نبود، اکنون از وجود و حاکمیت دو حزب اصلی (حزب دمکرات و اتحادیه میهنی) عبور نمی‌کرد و هم اکنون دارای 9 حزب سیاسی و سهم در تصمیمات مهم سیاسی نبود، اکنون هیچ حزب سیاسی دارای اکثریت کرسی‌های پارلمانی نیست. این نشانه معادله توازن قدرت و قواست که به نفع دموکراسی است، اما همان طور که اکثر مصاحبه شونده‌گان گفتند لازم است فرصت برابر برای تمام احزاب فراهم شود تا مشارکت واقعی بیشتر نمایان شود.

2-6-5- حضور و فعالیت زنان:

خانم (د. فیان سلیمان حبی) می‌گوید: "تا حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و حزبی و سازمان‌های جامعه مدنی بیشتر باشد، و حقوق آنها از نظر قانونی و سیاسی و اجتماعی حفظ شود، این آثار و پیامدهای به همراه دارد، که باعث هر چه بیشتر توسعه سیاسی پایدار در اقلیم کردستان می‌شود. وظیفه‌ی ما به عنوان سازمان زنان حول چند محور اساسی می‌گردد که در سه سطح به فعالیت در آن می‌پردازیم: 1- محور سیاسی: که در زمینه‌ی ارتقاء سطح هشیاری و آگاهی سیاسی و تربیت و پرورش سیاسی زنان از طریق برگزاری سمینار، کنفرانس، برگزاری دوره‌های روشنفکری و سیاسی توسط افراد مجرب و متخصص انجام می‌شود. همیشه به عنوان سازمان زنان ابزار فشاری بوده‌ایم بر احزاب سیاسی،

حکومت، پارلمان تا بیشتر و بهتر بتوانیم حقوق سیاسی، قانونی و اجتماعی زنان را تثبیت کنیم. 2- محور اقتصادی: تشویق و تحریک زنان برای استقلال اقتصادی، که این هم از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی در حوزه‌ی صنعتی و صنایع دستی انجام می‌شود. 3- محور اجتماعی: هدف ما از این محور توسعه و ارتقای سطح هشیاری و آگاهی زنان در زمینه‌های تربیتی و روشنفکری خانواده، کودکان و همچنین آگاهی بخشی از لحاظ قانونی و قضایی است، زیرا هدف اساسی حفاظت از بقای خانواده و همچنین حفاظت از حقوق زنان در چارچوب خانواده است."

همچنین (د. چنار سعد عبدالله) در این مورد می‌گوید: "به نظر من پیامدهای راهبرد خوب در تحقیق توسعه سیاسی پایدار این است که احزاب سیاسی بتوانند مشارکت سیاسی زنان را در فعالیتهای سیاسی بالا ببرند، و بتوانند در سطح حکومتی دارای مقامات بالایی باشند."

در نگاه کلی می‌توان به این اشاره کرد، که در زمینه‌ی مشارکت سیاسی زنان اقلیم کردستان اقدامات بزرگی انجام داده است، همه‌ی احزاب سیاسی دارای سازمان مربوط به زنان هستند. در سطح اعضای شورای احزاب این مایه خرسندی است که زنان حضور دارند و در پارلمان کردستان 30% کرسی‌ها برای زنان تعیین شده است. همچنین حکومت، اداره‌ی انجمن خانمان و سازمان مبارزه با خشونت علیه زنان را تأسیس کرده است که تا حد زیادی در کاهش پدیده‌ی خشونت علیه زنان نقش داشته است.

3-6-5- توسعه و تقویت سازمان‌های جامعه مدنی:

تأسیس نهادهای جامعه‌ی مدنی بعد از قیام 1991، با اقدام‌هایی ابتدایی آغاز شد که وابسته و تابع احزاب سیاسی بودند، بعدها به دلیل بحران اقتصادی و محاصره‌ی اقتصادی که علیه عراق و به تبع اقلیم کردستان اعمال شده بود، زندگی شهروندان در وضعیتی بحرانی قرار گرفته بود، سازمان‌های خارجی جهت یاری رساندن و کمک به مردم و حکومت اقلیم کردستان، وارد اقلیم تازه آزاد شده شدند، برای مثال نهادها و سازمان‌های (FAW، WFP، WHO) که در زمینه‌های تحصیلی، آبادسازی روستاها و ساختن مدارس، انتقال آب به روستاها و برخی خدمت رسانی‌های ابتدایی دیگر که مربوط به زندگی و معیشت مردم بود، فعالیت کردند.

در این مورد (اکرم محمد جمو) می‌گوید: "اگر چی سازمان‌های جامعه مدنی بعد از سال 2003 در اقلیم کردستان رشد کرده‌اند و در زمینه‌های (آگاهی سیاسی، فساد، فرهنگی، جنسیت، کارامدی اداری، فعالیت جوانان...) اقداماتی کرده‌اند، و در پارلمان قانون شماره 1 سال 2011 مختص به فعالیت سازمان‌ها تصویب شد، اما هنوز نتوانسته‌اند به عنوان عامل فشار در جهت رسیدن به اهداف طبقات اجتماعی عمل کنند. اکنون شماره سازمان‌ها در اقلیم کردستان 2600، نهاد جامعه مدنی (NGO) می‌باشد که دربرگیرنده‌ی (سازمان‌های بین المللی، عراقی و کوردی) می‌باشد. همچنین در طول سه سال اخیر شمار زیادی از سازمان‌های بین المللی با هدف همکاری و کمک به آواره‌ها و پناهندگان عراقی و

سوریه‌ای که به اقلیم کردستان پناه آورده بودند، به کردستان آمدند. و این سازمان‌ها در زمینه‌ها و مسائلی همچون (دمکراسی، انتخابات، حقوق بشر، آزادی بیان، مسئله‌ی زنان و جنسیت، شفافیت و روشنگری، آگاهی، دانش قضایی و سیاسی و...) به فعالیت پرداخته‌اند.

4-6-5- شکاف هویت قومی:

دولت عراق از نظر هویتی از دو ملت عرب و کورد تشکیل شده است. اکثریت این کشور از پیروان دو مذهب شیعه و سنی هستند. تضارب شاخصه‌های قومی-مذهبی باعث ایجاد سه‌گروه عمده و متمایز کورد، عرب سنی، شیعی شده است. این تقسیم بندی هویتی به اشکال مختلف در دوره‌های متفاوت بازتولید شده و پابرجا مانده است. دولت‌های عراق طی دهه‌های مختلف سعی کرده‌اند با تعریف هویت ملی جدید تمامی این گروه‌های سه گانه را تحت لوای آن با زور و سرکوب و خشونت قرار دهند و هم زمان با پروژه دولت سازی به امر ملت سازی و ایجاد هویت فراگیر دست زنند. البته این امر هرگز تحقق نیافته است.

«آندریاس وایمر» در مقاله‌ای با عنوان «دموکراسی و کشمکش قومی - مذهبی در عراق» معتقد است (دموکراسی خود به خود میان اقوام هماهنگی پدید نمی‌آورد؛ به ویژه در خلال نخستین دهه‌های دموکراسی سازی، تنش‌های قومی و مذهبی ممکن است افزایش یابد و به خشونت و در نهایت به نابودی روند دموکراتیک ختم شود) وی پیش بینی کرده است با تداوم وضعیت دموکراتیزاسیون در عراق فعلی قدرت

سیاسی قومیت و مذهب نه تنها تضعیف نمی‌شود بلکه تقویت می‌گردد (Wimmer, 2004: 111-134).

در این زمینه (فرید اسسرد) می‌گوید: "در خاورمیانه چهار ملت اصلی وجود دارند که عبارتند از (عرب، ترک، فارس و کرد) که سه تای آنها دارای دولت مستقل و هویت قومی خود هستند، فقط کوردها که با ظلم و اشغال تقسیم شده‌اند و این حق از آنها گرفته شده است. همچنین مرز و مساحت جنوب کوردستان از نظر جغرافیا، زمین و ساکنینش از کشورهایی چون (کویت، لبنان، قطر، بحرین و فلسطین) بزرگتر و گسترده‌تر است، چرا باید آنها دارای دولت و هویت قومی و حاکمیت باشند اما باز کوردها از این حق محروم باشند. ما به عنوان اعضاء حزب اتحادیه میهنی که از همان ابتدا شعار و اصل "حق تعیین سرنوشت" را مبنای کار خود قرار دادیم، باوری تام داریم که حل مسئله کورد در چارچوب دولت عراق به پایان رسیده است، و تجربه‌ی 14 ساله دولت جدید عراق بعد از سال 2003 این را ثابت کرد که حکومت عراق نه تنها قدمی در راستای ایجاد و برقراری دموکراسی، حقوق بشر و همزیستی مسالمت‌آمیز، هویت قومی بر نمی‌دارد، بلکه روز به روز در مسیر تک روی و مذهب‌گرایی و شیعه‌گرایی گام می‌نهد، برای مثال در ابتدای تأسیس سپاه جدید عراق در سال 2003 کوردها نقش بزرگی داشتند، چنانکه در آن زمان تقریباً 40% سپاه عراق از کوردها متشکل بود اما هم اکنون این به 2% رسیده است که این اشاره و نشانه خوبی نیست، این سوای نادیده گرفتن و پایمال کردن چندان حقوق دیگر اقلیم کوردستان، که طبق قانون اساس عراق حق و حقوق کوردها در آن مشخص شده است."

با توجه به غالب بودن پارادایم ملی‌گرایی میان کوردها، احزاب سیاسی و رهبران و نخبگان مختلف، اعم از سکولار و اسلام‌گرا همیشه سعی بر ایجاد تقویت ملی‌گرایی کوردی کرده‌اند و توانسته‌اند رؤیای تشکیل دولت کردستان را در اذهان مردمان این منطقه به واقعیت نزدیکتر کنند.

«رولان‌برتون» در بخشی از اثر خود با نام (قوم‌شناسی سیاسی) به‌راه‌های نه گانه منفی سیاست قومی‌کشورهای اشاره می‌کند که در تلاش برای مهار قومیت‌های متفاوت با قوم اصلی به کار می‌برند. از نه شیوه می‌توان هفت مورد آن را که دولت‌های عرب به خصوص رژیم بعث عراقی علیه کوردها به کار برده‌اند به صورت مستند نام برد: نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، قوم‌کشی و زبان‌کشی، تغییرات جغرافی و جمعیت، انتقال و مبادله کوردها، تبعید و نابودی کلی‌گزینی، جهاد و پاکسازی قومی (برتون، 1380: 185-206).

طبیعتاً این سیاست‌ها به تقویت بیش از پیش ملی‌گرایی و تمایزگزارى با اعراب در باور و ذهنیت عامه کوردها دامن زده که خود به بر وضعیت استقرار دموکراسی در نظام جدید عراق سایه افکنده است. در چشم‌انداز سیاسی کاملاً قومی عراق، استقرار احزاب و سازمان‌های فرا قومی زمان‌بر است. تجربه بوسنی به روشنی گواه آن است تا زمانی که یک جامعه هنوز با آسیب‌های روحی ناشی از جنگ قومی دست و پنجه نرم می‌کند، احزاب غیر قومی، حتی با پشتیبانی سنگین مالی و لجستیکی خارجی، ممکن است با دشواریهای فراوانی روبرو شود.

6- بحث و استنتاج نظری:

مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با استعانت از روش نظریه‌مبنایی کوشید مدلی پارادایمی از توسعه سیاسی را بر اساس

برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم در اقلیم کردستان عراق را ارائه دهد، آنچه پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها، به عنوان مقوله محوری این مقاله کشف شد، پدیده (توسعه سیاسی در کشاکش هژمون حزبی و شکاف هویتی) در محیط تحت مطالعه بود. این پدیده علاوه بر اینکه به شکل‌های مختلف در مقولات تکرار شده است، با دیگر مقوله‌های تحقیق نیز ارتباط دارد و تمام آنها را پوشش می‌دهد.

در باب مفهوم توسعه سیاسی سوژه‌های تحت مطالعه معتقد بودند که این مفهوم محص را به حوزه و مسائل و تهدیدهای نظامی و سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد وسیع‌تری از توسعه سیاسی شامل تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، شفافیت، کم کردن فساد، افزایش مشارکت سیاسی، رشد دموکراسی، تغییر نرم قدرت را نیز شامل می‌شود.

ضرورت‌های ایجابی توجه به توسعه سیاسی پایدار از طریق احزاب سیاسی که ناظر بر شرایط علی پدیده از منظر سوژه‌ها در مدل پارادایمی توسعه سیاسی مطرح گردید، طیف وسیعی از شرایط نیز ضرورت حفظ استقلال ملی، سیاسی و تمامیت ارضی کشور، ضرورت به وجود آوردن یک حکمرانی خوب از طریق احزاب سیاسی کردستان، وجود یک رهبر کاریزمایی قدرتمند ضرورتی است برای مقابله با تهدیدهای خارجی و داخلی. همچنین موقعیت ژئوپولتیک کردستان در منطقه‌ای نا امن و آشوب‌های منطقه‌ای، نفی خشونت و تأکید بر گفتگو را در بر می‌گرفت.

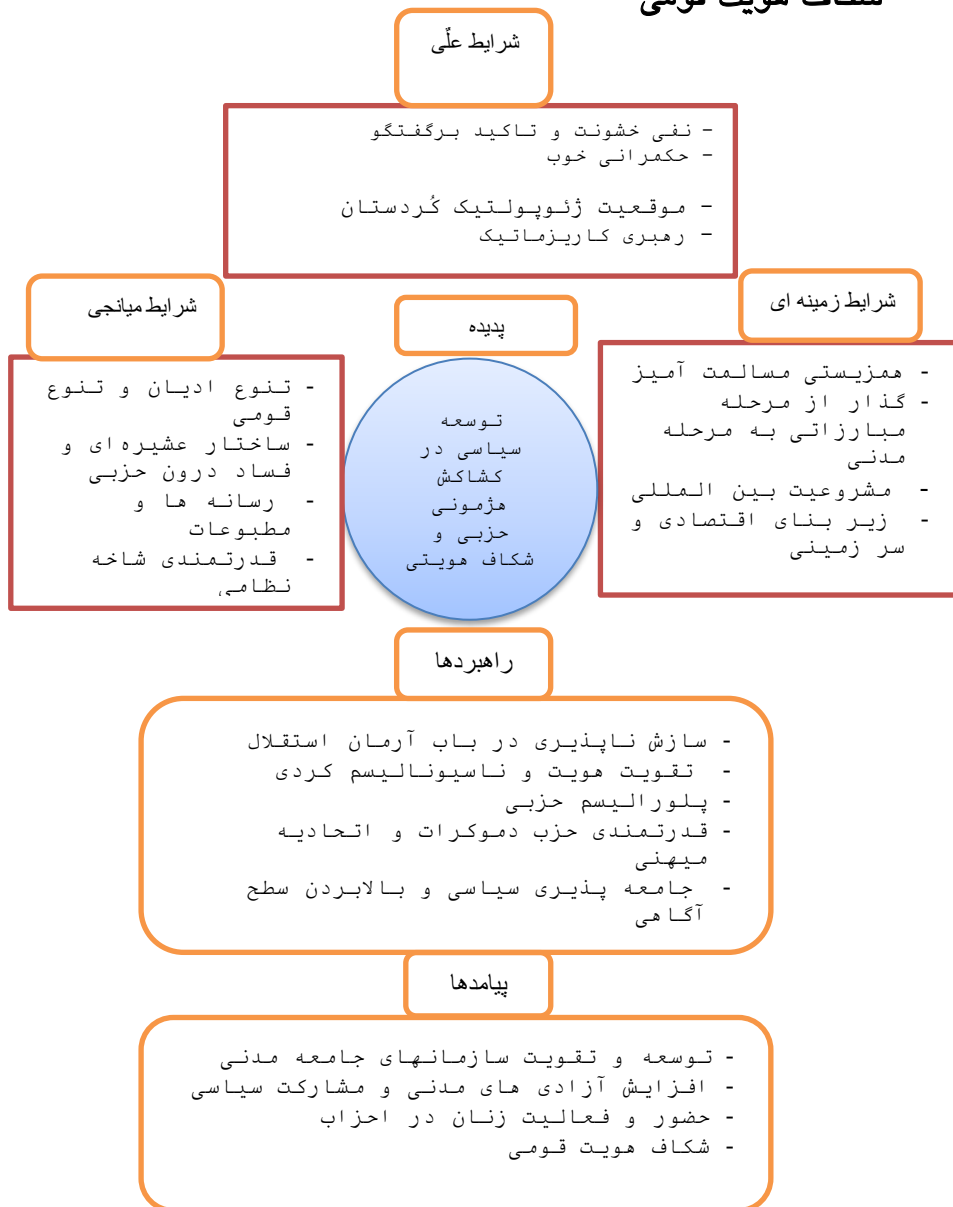
شرایط زمینه‌ای بر اساس مدل پارادایمی آستراوس و کربین در نظریه مبنایی، از منظر کنشگران که ناظر بر مجموعه خاصی از شرایطی است که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که افراد و گروه‌ها در جامعه با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ دهند، مشتمل بر عواملی نظیر همزیستی مسالمت‌آمیز، مشروعیت بین المللی اقلیم کردستان عراق، گذار از مرحله مبارزاتی به مرحله مدنی، تقویت زیر بنای اقتصادی و سرزمینی است که در آن راهبردهای مربوط به توسعه سیاسی پایدار بسط می‌یابند.

شرایط میانجی و مداخله‌گر از منظر سوژه‌ها که اشاره به وضعیت‌هایی دارد که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیر گذار هستند، ناظر بر شرایطی نظیر تنوع ادیان و تنوع قومی، ساختار عشیره‌ای و فساد درون حزبی، وجود فضائی آزاد بدون هیچ گونه سانسوری برای رسانه‌ها و مطبوعات در اقلیم کردستان، قدرتمندی شاخه نظامی احزاب است.

بر اساس مدل پارادایمی نظریه مبنایی استراوس و کربین، سوژه‌ها به راهبردهایی به مثابه میکانیزم و سیاستی در برخورد با پدیده توسعه سیاسی اشاره داشتند که با اتخاذ آنها پدیده توسعه سیاسی پایدار در جامعه تحقق می‌گردد. سازش ناپذیری در باب آرمان استقلال، تقویت هویت ناسیونالیسم کردی، پلورالیزم حزبی، قدرتمندی حزب دموکرات و اتحادیه میهنی، جامعه‌پذیری سیاسی و بالا بردن سطح آگاهی، در زمره راهبردهایی بود که سوژه‌ها جهت حصول به توسعه سیاسی پایدار از طریق احزاب سیاسی در جامعه اشاره داشتند.

پیامدهای حاصله از کاربرد راهبردها در نیل به توسعه سیاسی از منظر سوژه‌ها ناظر بر پیامدهای متنوعی است که عبارتند از: توسعه و تقویت سازمان‌های جامعه مدنی، افزایش بیشتر آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی، حضور و فعالیت بیشتر زنان در احزاب، شکاف هویت قومی، افزایش اقتدار نرم و اقتدار سخت حکمرانی در جامعه که متقابلاً توسعه سیاسی را تقویت و بدان پایداری می‌بخشند.

مدل پارادایمی: توسعه سیاسی در کشاکش هژمونی حزبی و شکاف هویت قومی



واژه‌نامه

- 1-Constructionism
- 2-Grounded Theory
- 3-Theoretical Saturation
- 4-Sampling from participants
- 5-Theoretical sampling
- 6-Purposive sampling
- 7-Based criteria
- 8-Unit of analyse
- 9-Causals Condiions
- 10-Contextual Conditions
- 11-Interventional
- 12-Action - Interaction
- 13-Concequences

منابع

- اخوان کاظمی، (1388)، علل ناکارآمدی احزاب در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اشتراوس، انسلم، کرین، جولیت، (1392)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران، چاپ سوم، نشرنی.
- برتون، رولان، (1380)، قوم شناسی سیاسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران، نشرنی
- بشیریه، حسین، (1382)، عقل در سیاست، تهران، موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- تبریزی، علیرضا محسن، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران، انتشارات اطلاعات.
- حافظ نیا، محمد رضا، (1389)، تحلیل تطبیقی؛ الگوی خودگردانی کردستان عراق، با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، فصلنامه علوم انسانی، دوره چهاردهم، شماره 2، 195-216
- خدایی، زهرا، (1390)، چالش‌های دموکراسی سازی در عراق پس از صدام، مطالعات خاورمیانه، شماره 67، 35-58
- شیرزادی، رضا، (1393)، نوسازی، توسعه، جهانی شدن (مفاهیم، مکاتب، نظریه‌ها)، تهران، چاپ دوم، نشر آگه.
- عالم، عبدالرحمن، (1394)، بنیادهای علم سیاست، تهران، چاپ بیست و هفتم، نشرنی.
- عباس زاده، محسن، (1393)، کثرت گرایی سیاسی: میان نظریه و واقعیت، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره 13
- قوام، عبدالعلی، (1382 الف)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، سمت.

- قوام، عبدالعلی، (1393)، چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، نشر قومس
- کوزر، لوئیس، (1368)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی‌گلشائیان.
- محمد عبداللہی، فیروز راد، (1388)، بررسی‌روند تحول و موانع سساختاری توسعه سیاسی، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره اول، 63-29.
- محمدپور، احمد، (1390)، روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران، جامعه شناسان.
- موثقی، سیداحمد، (1393)، نوسازی و توسعه سیاسی، تهران، چاپ اول، نشر میزان.
- میرزایی، خلیل، (1393)، طرح و پایان نامه نویسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- نقیب زاده، احمد، (1380)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت.
- نقیب زاده، احمد، (1393)، احزاب سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ، تهران، چاپ دوم، نشر قومس.
- نودری، حسینعلی، (1381)، احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران، چاپ اول، نشر گستر.
- هانتینگتون، ساموئل، (1370)، سامان سیاسی در جوامع دست خوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- طالب، جزا توفیق، (2005)، المقومات الجیوبولتیکیة للامن القومي فی اقلیم کردستان العراق، السلیمانیة، مرکز کردستان للدراسات الاستراتيجية.

- Holt, Rinehart and Schattcheider, Elmer.Eric(1960): *The semi- Sovereign people*, New york.
- Huntington, Samuel.p.(1979). *The change to changed: Modernization, Development, and Political*, in:Cyril E.Black,*Comparative Modrenization*, New york: the free press.
- Mc.Dawoll,David(2000), "*Amodern history of the kurd*, London:T.B. Tauris.2nd rev . and updated ed.ISBN: 1860645336.
- Natali,Denise(2005),"*The kurds and the state: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran*.New york: Syracuse university press.
- Schattchneider,Elmer. Eric.(1960): *The semi- Sovereign people*, New york: Holt,Rinehart and Winston.
- Wimmer, Andresa (2004): "*DemocrCy and Ethno-Religious in Iraq*, Survival, vol 45. Winter

Abstract

The present paper tries to give a paradigmatic model of the concept of political development based on the interpretations of actors by applying a qualitative and grounded theory approach. The interviewees comprise 25 activists and members of the Political Bureau of the powerful Kurdish climate. The results of the research showed that the political parties, in addition to the fact that during 26 years of positive atmosphere, such as: the growth of civil liberties, the spread of free media, the presence of women in political activities, the development of civil society organizations, the strengthening of identity and Kurdish nationalism, the rights of ethnic minorities, But there are still obstacles to political development that are: identity crisis, the lack of an efficient opposition, intra-party militant structure, political corruption.

Key words: Iraqi Kurdistan climate, political parties, political development

کورتەى توێژینهوه:

ئەم توێژینهوهیه لهسەر بنه‌مای شیکردنه‌وه‌ی کیفی و له‌ ریگه‌ی تیوری زه‌مینه‌یی هه‌ول ده‌دات مودی‌لیکی پارادایمی له‌ چه‌مکی گه‌شه‌پیدانی سیاسی له‌سەر بنه‌مای ته‌فسیر و ته‌حلیلی ئەو که‌سانه‌ی که‌ چاوپێکه‌وتن‌یان له‌گه‌ڵ ئەنجام دراوه‌ به‌ ده‌سته‌وه‌ بدات. ژماره‌ی به‌شداربوانی توێژینه‌وه‌که‌ پێک دیت له‌ 25 که‌س له‌ چالاکوان، ئەندامی مه‌کته‌بی سیاسی، که‌وادی پێشکه‌وتوی ئەحزابی به‌هێزی کوردستان. ده‌رئه‌نجامی توێژینه‌وه‌که‌ ئەوه‌ نیشان ده‌دات، که‌ ئەحزابی سیاسی کوردستان له‌ ماوه‌ی 26 سال‌ حوکمرانی توانیویانه‌ که‌شیک له‌بار ده‌سته‌به‌ر بکه‌ن وه‌کو، گه‌شه‌کردنی ئازادییه‌ مه‌ده‌نیه‌کان، فراوان بوونی کاری روژنامه‌گه‌ری ئازاد و حزبی، به‌شداری‌سیاسی ژنان له‌ چالاکی‌سیاسی، گه‌شه‌پیدانی دامه‌زراوه‌کانی کومه‌لگه‌ی مه‌ده‌نی، به‌هێزبوونی هه‌ستی ناسیونالیزمی کوردی، مافی که‌مه‌ نه‌ته‌وايه‌تیه‌کان، به‌رقراربوونی ئەمنیت و ئاسایش بو‌هاولاتیانی کوردستان، به‌لام تاکوو ئیستاش ئاسته‌نگی گه‌وره‌ له‌ به‌رده‌م پرۆسه‌ی گه‌شه‌پیدانی سیاسی بوونی هه‌یه‌ که‌ بریتین له‌: قه‌یرانی شوناس، نه‌بوونی ئۆپوزسیونیکی سیاسی به‌هێز، بونیادی عه‌شیره‌یی له‌ ناو حزبی سیاسی، گه‌نده‌لی سیاسی و دارایی.